

**NEUES TESTAMENT**

**Die Gute Nachricht**

**NEW (9)  
NOUVEAU  
TESTAMENT  
IN**

**PERSIAN  
FARSI  
IRANIAN  
IX**

**PERSAN**

**PERSISCHE**

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

---

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه

THE  
**NEW TESTAMENT**

OF  
OUR LORD AND SAVIOUR

**JESUS CHRIST**

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,  
INTO PERSIAN,

BY THE  
**REV. HENRY MARTYN, B.D.**

---

FOURTH EDITION.

---

**LONDON:**  
PRINTED BY RICHARD WATTS,  
**FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,**  
IN THE YEAR  
1837.

# فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . .</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون . . . . .</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریآن . . . . .</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . .</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . .</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . . .</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . . .</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . . .</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . . .</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . .</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . .</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . . 496</p>
---	---

نامه ثانی عام پطرس حواری

باب اول

- ۱ شمعون پطرس بنده و حواری عیسی مسیح بانان که قسمت یافته اند چون ما ایمان کرانبهارا بعدالت خدا وراننده ما عیسای
- ۲ مسیح \* (میخواهد) که فضل و آرام بر شما از معرفت خدا و عیسای
- ۳ خداوند ما افزون باد \* چنانچه قدرت الهی او هر چیز را که منسوب بحیات وزهد میباشد بوسیله معرفت آنکس که ما را بجلال
- ۴ وصلاح خوانده است با عنایت فرموده است \* که بوساطت آنها مواعید بسیار اعظم واکرم با عنایت گروه شده است تا آنکه شما از فسادمی که در دنیا بسبب شهوتست خلاصی یافته
- ۵ بوسیله اینها در طبیعت الهیت شریک گروید \* و بر اینها نظر نموده سعی بلیغ نموده ظاهر سازید از ایمان صلاح واز صلاح
- ۶ معرفت را \* واز معرفت پرهیز واز پرهیز صبر واز صبر تقوی را
- ۸ \* واز تقوی الفت برادرانه واز الفت برادرانه محبت را \* چه اگر این چیزها در شما یافت شود و بیفزاید شمارا در معرفت خداوند ما

- ۹ عیساى مسیح لغو و بی ثمر خواهد بود \* و آنکس که صاحب این اخلاق نیست کور و احوالست و فراموش نموده است که از
- ۱۰ کنان پیشین تنزیه یافته است \* پس امی برادران اولیست که کوشش نمائید که دعوت و برگزیده کسی خورا ثابت نمائید که اگر
- ۱۱ چنین نمائید هرگز نخواهید افتاد \* و باین نوع شمارا کمال مدخلیت در ملکوت ابدی خداوند و راننده ما عیساى مسیح داده خواهد شد
- ۱۲ \* و من ازین غفلت نخواهم ورزید که این مطالب را پیوسته کوشش زو شما بنام هر چند خود میدانید دور راستی که دارید ثابت قدم
- ۱۳ میباشید \* و مناسب میدانم که هنگامی که درین مسکن هستم شمارا بیاد آورم تحریک بنام \* و میدانم که گذاشتن مسکن خورا
- زور واقع می شود چنانچه خداوند ما عیساى مسیح مرا آگاه کرده است \* پس سعی می نمائیم که بعد از وفات من این مطالب را
- ۱۴ شما پیوسته یاد آرید \* که ما افسانههای ساختگی را پیروی نکردیم چون از قوت و ظهور خداوند ما عیساى مسیح شمارا مطلع ساختیم بلکه
- ۱۵ بچشمان خود بزرگی اورا مشاهده نمودیم \* که از خدا و پدر عزت و جلال یافت هنگامی که آواز بجهت وی از جلال عظیم باین
- معنی نازل کردید که اینست پسر محبوب من که من از وی خوشنودم \* و این صدارا هنگامی که با وی در کوه مقدس بودیم
- ۱۶ شنیدیم ما که از آسمان آمد \* و اعتقاد ما در باره کلام نبوت افزود و شما نیکو بنمائید که اورا اعتنا بنمائید که چون چراغ در ظلمت
- میدرخشید تا هنگامی که فجر خند و دستاره صبح در دلهای شما طالع کرد \* و این را نخست بدانید که هر خبر کتابی را شرح

۲۱ مخصوصی نیست \* زیرا که خبرهای پیشین بارهٔ مرموم نشده بلکه اشخاص مقدس خدا بروح القدس متحرک گشته سخن گفتند

باب دوم

- ۱ و پیغمبران کاذب نیز در قوم بودند چنانچه در میان شما معلمان کاذب نیز خواهند بود که بدعت‌های مهلک را در خفا و اخل خواهند نمود بمرتبهٔ که آن مخدومی که آنها را خرید انکار خواهند نمود و هلاک
- ۲ ناکهانی بر خود قرار خواهند داد \* و بسیاری امور مهلکه ایشانرا پیروی خواهند نمود که بسبب ایشان نسبت براه راست لعن کرده خواهد شد \* و از راه طمع بافسانه‌های فریبنده شمارا مایهٔ نفع خود خواهند پنداشت و جزای آنها مدتی تاخیر نخواهد افتاد و هلاک
- ۳ آنها درنگ نمی‌نماید \* که چون خدا بر فرشتگان که مرتکب گناه شدند دریغ نفرمود بلکه در جهنم انداخته برنجیرهای ظلمت گرفتار نمود که تا بروز حکم محفوظ باشند \* و بر جهان کهنه دریغ نفرمود که شخص هشتم یعنی نوح را که دعوت بر راستی می نمود محفوظ داشته
- ۴ بر جهان بیدینان طوفانی فرود آورد \* و شهرهای سدوم و غموره را خاکستر نمود از راه مکافات زیرا وزیر کرده بجهت بی دینان
- ۵ آینده عبرت نهاد \* و لوط عادل را که از رفتار بیضابطهٔ بیدینان
- ۶ غم میخورد رانید \* که آن عادل هنگامی که در میان آنها ساکن بود هر روز از دیدن و شنیدن افعال ناشایستهٔ آنها دل راست
- ۷ خود را مجروح میداشت \* محقق است که خداوند میتواند که دینداران را از امتحان رانیده و ناراستانرا تا روز حکم در عقوبت
- ۸ نگاه دارد \* خصوصاً آنان که در پی جسم بخواهش آلوده کسی رفتار

- میشایند و حکمرانان را تحقیر مینمایند متهور و متکبر میباشند و از  
 ۱۱ طعن زدن بزرگان نمی اندیشند \* و ملایکه با وجود آنکه در زور  
 توانائی بیشند مقدمه فحش آمیز را بر آنها نژد خداوند نمی برند  
 ۱۲ \* و اینها که چون حیوان مطلق هستند که بجهت گرفتاری  
 و خرابی موجود شدند در مقدماتی که نمی فهمند کفر میگویند و از فساد  
 ۱۳ خود فاسد خواهند شد \* که مرد ناراستی را خواهند یافت که عیش  
 و عشرت روز را تنعم میدانند و حال آنکه وانها و نقصها می باشند  
 و از ترویرات خود هنگامی که باشما در ضیافتها می نشینند خوش  
 ۱۴ میشوند \* و چشمهای شان پر از زناست که از گناه باز نمی ایستند  
 و ایشان نفوس متلون را میفرینند و دل آنها در طمع مستقر  
 ۱۵ گشته است و فرزندان لعنت میباشند \* و راه راست را گذاشته  
 کمره گشته متابعت نمودند براه بلعم ابن بصور که مرد ناراستی را  
 ۱۶ دوست داشت \* و از حماقت خود ملزم گردید که حمار صامت  
 ۱۷ در صدای انسان تکلم نموده پیغمبر را از دیوانگی منع نمود \* ایشانند  
 چشمهای بی آب و ایرائی که از باد گردش مینمایند و بجهت  
 ۱۸ آنها تاریکی ظلمت جاوید مقرر است \* و الفاظ بلند باطل را  
 استعمال نموده گرفتار می نمایند بخواهشهای جسمانی و بی عصمتی  
 آنانی را که فی الحقیقه از اهل ضلالت رستگاری یافته بودند  
 ۱۹ \* و آنها را بآزادی وعده میدهند و حال آنکه خود بنده کان فسادند  
 از آنجا که چون شخص از کسی مغلوب شد در بند او نیز گرفتار  
 ۲۰ است \* و اگر بعد از رستن از آلائش و نیوی بواسطه خداوند  
 و راننده عیسای مسیح بار دیگر در آنها پیچیده و مغلوب شوند



۲۱ انجام آنها بدتر از آغاز شده است \* چه بهتر بود آنها را که راه راست را ندانند از آنکه بعد از دانستن از آن فرمان پاک که  
 ۲۲ بآنها سپرده شد اعتراف ورزند \* که آن مثل بر آنها درست گردید که سگ بقی خوور رجوع کرده است و خوک شسته شده بغلطیدن در لجن

باب سیم

۱ ای محبوبان اکنون این مراسله و بیکرا بشما می نویسم و در این  
 ۲ و آن هر دو دل ساده شما را بطریق یاد آوری بر می انگیزم \* تا یاد آرید کلامی را که پیش پیغمبران مقدس گفته اند و حکم ما رسولان  
 ۳ خداوند و راننده را \* نخست این را بدانید که در اوان آخر ریشخند کننده گان خواهند آمد که بر وفق خواهشهای خوور رفتار  
 ۴ نموده \* خواهند گفت که وعده ظهورش کجاست که از هنگامی که پدران مرده اند هر چیز بهمان نسق است که در آغاز آفرینش  
 ۵ می بود \* که ایشان عمدا فراموش می کنند که آسمان از قدیم می بود و زمین از آب و در آب موجود می بود بامر خدا \* و با وجود آن  
 ۶ جهانی که آنوقت می بود در آب غرق گشته تباه گردید \* و آسمان و زمین که الحال می باشد بامروی امانت و محفوظ باشند جهت  
 ۸ آتش در روز جزا و هلاک اشخاص بیدین \* و این یک امر ای محبوبان بر شما مخفی نماند که نزد خداوند یک روز چون هزار سال  
 ۹ و هزار سال چون یک روز است \* و خداوند در وعده تأخیر نمی نماید چنانچه بعضی تأخیر می پندارند بلکه با ما بحکم رفتار می نماید و نمی  
 ۱۰ خواهد که کسی هلاک گردد بلکه تمامی به توبه رجوع کنند \* لیکن روز

خداوند چون وزو در شب خواهد آمد و در آنوقت آسمانها بفشافتن  
 از جا در خواهد رفت و عناصر سوخته از هم خواهد پاشید و زمین  
 ۱۱ و متحداناش سوخته خواهد کردید \* پس چون این همه چیزها از هم  
 می پاشد شمارا چه نوع اشخاص می باید بودن در هر رفتار نیک  
 ۱۲ و عبادت \* منتظر و خوابان رسیدن روز خدا که در آن آسمانها  
 افروخته گشته از هم خواهد پاشید و عناصر از حرارت کداخته خواهد  
 ۱۳ شد \* لیکن انتظار می کشیم آسمان و زمین نورا بحسب وعده  
 ۱۴ آن که در آنها راستی قرار می گیرد \* پس ای محبوبان چون  
 انتظار می کشید این چیزها را سعی نمائید که بیدار و بی عیب نزد  
 ۱۵ او یافت شوید \* و حلم خداوند ما را سبب نجات دانید چنانچه  
 بر او محبوب ما پولس نیز بحسب عقلی که بوی داده شده  
 ۱۶ است بشما نوشته است \* چنانچه در همه کتابتها نیز این چیزها را  
 بیان می نماید و درین مطالب مقاصدی چند هست که در  
 یافت آن مشکل است و مردمان جاهل و متشکی در وی می  
 ۱۷ پیچند چنانچه در باقی کتابها در هلاک خو \* پس شما ای محبوبان  
 پیش آگاه شده با خبر باشید که مبارک بصلوات بیدینان از جا کنده  
 ۱۸ شده از استقرار خو باز مانید \* و در توفیق و معرفت خداوند  
 و رانندهٔ ما عیسای مسیح نمونائید و او را هم حال وهم تا ابد جلال  
 باد آمین

## نامه عام اول یوحنا ی حواری

### باب اول

- ۱ آنچه از نخست بود آنچه شنیدیم آنچه بچشم خود دیدیم آنچه را
- ۲ نگاه کردیم و دستهای ما مس کرد در باره کلمه حیات \* که حیات جلوه کرد و ما دیدیم و شهادت میدهیم و آگاهی می بخشیم شمارا
- ۳ از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما آشکارا گشت \* خلاصه شمارا از آنچه خود دیدیم و شنیدیم خبر میدهیم تا آنکه شما نیز با ما متحد باشید و اتحاد ما با پدر و با پسرش عیسای مسیح است
- ۵ \* و این را بشما مینویسم تا آنکه سرور شما کامل گردد \* و این است سخن که از وی شنیدیم و شمارا میگوئیم که خدا نور است و از ظلمت در وی اثری نیست \* اگر گوئیم که با وی متحدیم و در ظلمت رفتار نمائیم دروغ گوئیم و در راستی عمل نمی نمائیم
- ۷ \* و اگر در روشنائی رفتار نمائیم چنانچه او در روشنائی میباشد با یکدیگر متحد هستیم و خون پسرش عیسای مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد \* اگر گوئیم که گناه نکرده ایم میفریبیم
- ۹ و راستی در ما نیست \* و اگر بگناه خود اعتراف نمائیم او صادق القول و عادل است تا آنکه گنامان ما را عفو نماید و ما را از هر قسم ناپاکی پاک سازد اگر بگوئیم که گناه نکرده ایم او را تکذیب می نمائیم و کلامش در ما قرار نگرفته است

باب دویم

- ۱ ای طفلان من این چیزها را بشما می نویسم تا که گناه را مرتکب نشوید و اگر کسی مرتکب گناه شود و کیلی نرد پدر داریم یعنی
- ۲ عیسای مسیح عادل \* که او جهت گناهان ما نه گناهان ما و بس
- ۳ بلکه همه جهان کفارت است \* و از آنجا میدانیم که او را می
- ۴ شناسیم که فرمایشهای ویرا بجا می آید \* و آنکس که گوید من او را
- ۵ می شناسم و احکامش را بجا نیارد کاذب است و در وی راستی نیست \* لیکن آنکس که امرش را بجا آورد فی الحقیقه محبت
- ۶ خدا در وی کامل است و این جا میدانیم که در وی هستیم
- ۷ \* و آنکس که میگوید که در وی است باید چنانچه او رفتار نمود او
- ۸ نیز رفتار نماید \* ای برادران حکم نوی را بشما نمی نویسم بلکه آن
- ۹ حکم کهنه را که از آغاز میداشتید و حکم کهنه آن سخنی است که
- ۱۰ از نخست استماع نمودید \* و نیز حکم نوی را بشما می نویسم که راست
- ۱۱ است هم در وی وهم در شما که ظلمت در کذر است و نور
- ۱۲ حقیقی بالفعل میرخشد \* و آنکس که ادعا نماید که در روشنائی
- ۱۳ است و با برادر خود خصومت می ورزد تا حال در تاریکی است
- ۱۴ \* و آنکس که برادر خود را محب است در روشنائی است و سبب
- ۱۵ افتادن در وی موجود نیست \* و آنکس که با برادر خود کینه ورزد
- ۱۶ در ظلمت است و در ظلمت راه میرو و نمیداند که بکجا میرو
- ۱۷ زانرو که تاریکی چشمان او را کور کرده است \* و ای اطفال بشما
- ۱۸ می نویسم از آنجا که گناهان شما بعلت اسمش بخشیده شد \* و ای
- ۱۹ پدران بشما می نویسم از آنجا که شناختید او را که قدیم است و ای

- جوانای بشما می نویسم از آنجا که بر آن شریر ظفر یافتید و ای اطفال  
 ۱۲ بشما می نویسم از آنجا که پدر را شناختید \* و نوشتم بشما ای پدران  
 که او را شناختید که قدیم است و نوشتم بشما ای جوانان از آنجا که  
 زور آور می باشید و کلام خدا در شما قرار گرفته است و بر آن شریر  
 ۱۵ غلبه یافته اید \* دنیا و چیزهایی که در دست دوست دارید که کسی  
 ۱۶ که دنیا را دوست داشت دوستی پدر در وی نیست \* چه  
 هر آنچه در دنیا است از خواهشهای جسمی و خواهشهای چشمی  
 ۱۷ و غرور زنده کسی از پدر نیست بلکه از دنیا است \* و دنیا  
 و خواهشهایش در کنز است اما آنکس که خواهش پدر را بجا آورد  
 ۱۸ تا ابد باقیست \* ای کووکان ساعت آخر است که آنچنانکه  
 شنیدید که مخالف مسیح می آید الحال هم مخالفان مسیح  
 ۱۹ بسیارند از آنجا که میدانیم که ساعت آخر است \* آنها از  
 میان ما بیرون آمدند لیکن از ما نبودند چه اگر از ما میبوزند با ما  
 ۲۰ می مانند لیکن چنین شد تا ظاهر شوو که همه از ما نیستند \* لیکن  
 ۲۱ شما مسیح را از آن مقدس دارید و همه را میدانید \* من بشما  
 نوشتم از آنجا که بر راستی مطلع نیستید بلکه از آنجا که میدانیدش  
 ۲۲ و اینکه هیچ دروغ از راستی نیست \* کیست دروغ گو اگر  
 نیست آنکس که انکار مینماید که عیسی همان مسیح است  
 ۲۳ همانست مخالف مسیح که پدر و پسر را منکر است \* و هر کس  
 ۲۴ که پسر را منکر است پدر را نیز نیافته است \* پس آنچه از آغاز  
 شما شنیدید در شما قرار گیرد و اگر در شما قرار گیرد آنچه از آغاز  
 ۲۵ شنیدید شما نیز در پسر و پدر خواهید ماند \* و اینست آن وعده که

۲۶ ما داده است یعنی حیات جاوید \* پس اینقدر در باره آنها که  
 ۲۷ شمارا میفرینند بشما نوشتم \* و حال آنکه آن مسخکی که شما از آن  
 یافتید در شما باقیست و احتیاج بتعلیم کسی نیست بلکه  
 آنچه آنکه آن مسخ شمارا در هر امر تعلیم مینماید و راست است  
 و دروغ نیست همان نوعی که شمارا آموخته است در وی بمانید  
 ۲۸ \* و امی کووکان الحال در وی بمانید تا آنکه چون ظاهر شود پروا  
 ۲۹ نداشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نباشیم \* اگر  
 میدانید که او عادل است میدانید که هر عدالت کرداری از وی  
 تولد یافته است

باب سیم

۱ ملاحظه نمائید که پدر با ما چه مقدار محبت داشته است که فرزندان  
 خدا خوانده شدیم و از آنرو دنیا ما را نمی شناسد که او را نشناخت  
 ۲ \* امی محبوبان حال هم فرزندان خدا هستیم و آنچه خواهیم بود  
 هنوز ظاهر نشده است لیکن میدانیم که چون او ظاهر شود چون  
 ۳ او خواهیم بود از آنجا که او را چنانکه هست خواهیم دید \* و هر کس  
 که این امید را از وی دارد خود را ظاهر میسازد چنانکه او ظاهر  
 ۴ است \* هر کس که معصیت می نماید بی شرعی نیز می نماید که  
 ۵ معصیت بی شرعی است \* و شما خود میدانید که او ظاهر گشت  
 ۶ که کنایان ما را بر دارد و گناه در او نیست \* و هر کس که در وی می  
 ماند گناه نمی کند و هر کس که معصیت مینماید او را ندیده و نشناخته  
 ۷ است \* امی کووکان کسی شمارا نفریبد که آنکس که راستی را  
 ۸ بجا آورد راست است آنچه آنکه او راست است \* آنکس که

- معصیت می نماید از ابلیس است زانرو که ابلیس از نخست  
 معصیت می نمود و پسر خدا از اینجهت ظاهر گشت تا که افعال  
 ۹ ابلیس را ناچیز گرداند \* و هر کس که از خدا متولد شده است  
 معصیت نمی نماید چه اصلش در وی باقیست و نمی تواند که  
 ۱۰ معصیت نماید زانرو که از خدا متولد شده است \* و از اینجا ظاهر  
 میشوند فرزندان خدا و فرزندان ابلیس و هر کس که راستی را بجا  
 نمی آرد و آنکس که برادر خورا دوست نمیدارد از خدا نیست  
 ۱۱ \* زانرو که آن فرمانی که از نخست شنیدید اینست که یکدیگر را  
 ۱۲ دوست داریم \* و نه چون قاین باشیم که از آن شریر بود و برادر  
 خورا گشت از بهر چه گشت او را زانرو که افعال خووش قبیح  
 ۱۳ بود و از برادرش حسن \* ای برادران من غریب شمارید اگر  
 ۱۴ دنیا با شما مخاصمت نماید \* که میدانیم ما که از مرگ تا بحیات  
 عبور نموده ایم از آنرو که برادران را دوست میداریم و آنکس در  
 ۱۵ مرگست که برادر خورا دوست ندارد \* و هر کس که با برادر خود  
 مخاصمت ورزد قانلست و شما میدانید که هیچ قانل در خود  
 ۱۶ حیات جاوید ندارد \* و ما محبت را از اینجا شناختیم که او جان  
 خورا در راه ما نهاد و ما را نیز باید که جانهای خورا در راه برادران  
 ۱۷ بنهیم \* لیکن آنکس که معیشت و نیوی را دارد و برادر خورا در  
 احتیاج می بیند و از و مضایقه می نماید چگونه محبت خدا در وی باشد  
 ۱۸ \* ای گورکان من محبت قولی یا زبانی نه نمائید بلکه فعلاً و صدقاً  
 ۱۹ نمائید \* و از اینجا ما میدانیم که اهل راستی هستیم و بنزد وی  
 ۲۰ مطمئن خواهیم بود \* چه اگر دل ما بر ما ملامت کند خدا از دل ما

۲۱ برتر است و همه چیز را میداند \* ای محبوبان اگر دل ما ملامتی  
 ۲۲ بر ما ندارد نزد خدا اعتماد داریم \* آنچه ستوان میثاقیم از وی می  
 یابیم از آنجا که او امرش را بجا می آید و آنچه او را خوش آید نماید  
 ۲۳ میثاقیم \* و اینست فرمان او که با اسم پسرش عیسا می مسیح ایمان  
 بیاوریم و یکدیگر را دوست داریم چنانچه ما را مقرر فرموده است  
 ۲۴ \* و آنکس که فرمانش را بجا می آرد در او می ماند و او در وی و از  
 روحی که با او است میدانیم که در ما می باشد

### باب چهارم

۱ ای محبوبان هر روح را باور ننمائید بلکه ارواح را بیازمائید که آیا از  
 خدا هست یا نه زیرا پیغمبران کاذب بسیار در دنیا پیدا شده اند  
 ۲ \* و از اینجا می شناسیم روح خدا را که هر روحی که اقرار می نماید که  
 ۳ عیسا می مسیح مجسم شده است از خداست \* و هر روحی که  
 اعتراف نماید که عیسا می مسیح تجسیم یافته است از خدا نیست  
 و همین است آن روح مخالف مسیح که شنیده آید که می آید  
 ۴ و الحال در جهانست \* ای کورگان شما از خدا میباشید و بر آنها  
 فایق آمدید زانرو که آنکس که در شماست برتر است از  
 ۵ آنکس که در جهانست \* و چون ایشان از دنیا میباشند لهذا از  
 ۶ دنیا تکلم می نمایند و دنیا از آنها می شنود \* و چون ما از خدائیم  
 آنکس که بخدا عارفست از ما می شنود و آنکس نمیشنود از ما که  
 از خدا نیست و همین نسق روح راستی و روح کماهی تمیز  
 ۷ میدهیم \* ای محبوبان یکدیگر را دوست داریم از آنجا که دوستی  
 از خداست و هر کسی که دوستی دارد از خدا متولد شده است



- ۹ است و خدا را می شناسد و آنکس که محبت ندارد و خدا را نشناخت  
 از آنجا که خدا عین محبت است \* و از اینجا محبت خدا بر ما  
 ظاهر گشت که فرستاد فرزند یگانه خود را بدینا تا آنکه بواسطه او  
 ۱۰ زنده گانی یابیم \* و همین است محبت نه اینکه ما خدا را محبت  
 بوویم بلکه خود او ما را محبت نمود که فرزند خود را فرستاد که در راه  
 ۱۱ جرائم ما عقوبت کشد \* پس ای محبوبان چون چنین محبتی  
 ۱۲ خدا با ما نمود ما را نیز سزاوار است که یکدیگر را محبت نمائیم \* و هیچ  
 کس گاهی خدا را ندیده است لیکن اگر یکدیگر را محبت نمائیم  
 ۱۳ خدا در ما می باشد و محبتش در ما بکمال می انجامد \* و از اینجا که  
 از روح خود ما عنایت فرموده است میدانیم که ما در وی میباشیم  
 ۱۴ و او در ما \* و ما خود دیدیم و شهادت می دهیم که پدر فرستاد پسر  
 ۱۵ خود را تا آنکه را ندیده باشد جهان را \* و هر کس که اعتراف نماید که  
 ۱۶ عیسی پسر خداست خدا در وی می باشد و او در خدا \* و ما یافته ایم  
 و قبول نموده ایم آن محبتی را که خدا با ما دارد و خدا خود محبت  
 است پس آنکه در محبت است در خداست و خدا در وی  
 ۱۷ است \* و از آنرو محبت در ما کامل گشته است که در روز جزا  
 بی پروا باشیم زانرو که چنانچه او می باشد ما نیز در این جهان  
 ۱۸ میباشیم \* در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را  
 بیرون می نماید از آنجا که خوف عذاب است و خوف در محبت کامل  
 ۱۹ نشده است \* و ما او را از آنرو محبت میباشیم که نخست او ما را  
 ۲۰ محبت نمود \* و اگر کسی گوید که من خدا را محبت می کنم و با برادر خود کینه  
 و رز و دروغ گوشت چه آنکس که محبت نکند برادر خود را که دیده

۲۱ است خدرا که ندیده است چگونه تواند محب باشد \* خلاصه  
این حکم را از وی داریم که آنکس که خدرا دوست دارد برادر  
خود را نیز دوست دارد

باب پنجم

- ۱ هر کس که اعتراف نماید که عیسی همان مسیح است از خدا متولد  
شده است و هر آنکس که والد را دوست دارد و دوست دارد
- ۲ هر آنکس را که از وی تولد یافته است \* و از اینجا که فرزندان  
خدرا دوست میداریم میدانیم که خدرا دوست میداریم
- ۳ و احکامش را بجا می آریم \* که محبت خدا این است که
- ۴ احکامش را بجا آریم و احکامش کران نباشد \* چه هر چه از خدا متولد  
شده است بر دنیا سرافرازی می یابد و آن ظفر که دنیا را مغلوب
- ۵ می نماید ایمان ما است \* کیست آنکس که دنیا را غالب آید جز
- ۶ آنکه معترف است که عیسی پسر خداست \* و این است  
آنکس که از آب و خون آمد یعنی عیسای مسیح نه آب و بس
- بلکه آب و خون و روح است آنکه شهادت میدهد زیرا روح
- ۷ راستی است \* زانرو که در آسمان سه هستند که شهادت
- ۸ میدهند پدر و کلمه و روح القدس و این هر سه یک هستند \* و سه
- هستند که در زمین شهادت میدهند روح و آب و خون و این
- ۹ هر سه در یک هستند \* ما قبول می کنیم شهادت مردم را حال
- آنکه خدا بزرگتر است و اینست شهادت خدا که در باره پسرش
- ۱۰ داد \* و آنکس که ایمان آورده است بر پسر خدا در خود شهادت  
دارد و آنکس که خدرا باور نکرده است او را کاذب ساخته است  
که اعتراف نموده است آن شهادتی را که خدا در باره پسر خود

- ۱۱ داده است \* و آن شهادت اینست که خدا حیات جاوید را  
 ارزانی فرموده است ما و آن حیات در پسرش می باشد
- ۱۲ \* و آنکس که یافته است پسر را حیات را یافته است و آنکس که  
 نیافته است پسر خدا را حیات را نیافته \* این چیز را بشما که با اسم  
 پسر خدا اعتقاد دارید نوشته ام تا آنکه بدانید که حیات ابدی را دارید
- ۱۳ و تا اینکه با اسم پسر خدا اعتماد نمائید \* او اینست آن اعتمادی که نزد  
 وی داریم که هر چه سؤال نمائیم بحسب اراده اش استجابت  
 می نماید \* و اگر دانیم که سؤال ما را مستجاب مینماید هر آنچه  
 سؤال نمائیم و دانیم که آن سؤالات را که از او استدعا نمودیم  
 خواهدیم یافت \* اگر کسی بیند برادر خود را که گناهی را می نماید که  
 مقرون بهلاکت نیست استدعا نماید و بوی حیات بخشد این  
 در باره آنهاست که معصیت مقرون بهلاکت نمی کنند  
 و گناهی هست که مقرون بهلاکت میباشد و من نمیگویم که در  
 باره آن سؤال نمائید \* هر قسم ناراستی معصیت است
- ۱۸ لیکن گناهی هست که مقرون بهلاکت نیست \* و میدانیم ما که  
 هر کس که از خدا متولد شده است معصیت نمی نماید بلکه  
 ۱۹ آنکس خود را نگاه میدارد و آن شریر بروی دست نمی یابد \* میدانیم  
 که از خدا میباشیم و تمام دنیا در معصیت خوابیده است
- ۲۰ \* و میدانیم که پسر خدا آمده است و در کسی ما داده است که  
 آنکس را که راست است بشناسیم و هستیم در آن شخص  
 راست یعنی در پسرش عیسی مسیح و اینست خدای حقیقی  
 و حیات جاویدی امی که در آن خود را از بهما نگاه دارید

## نامهٔ ثانی عام یوحنا می حواری

- ۱ کشیش به خاتون برگزیده و فرزندانش که من در راستی دوست میدارم نه من و بس بلکه همگی آنان که راستی را در یافتند
- ۲ \* بسبب آنراستی که در ما می باشد و تا باید با ما خواهد بود
- ۳ \* (میخواهد) که فضل و رحم و آرام از جانب خدای پدر و از جانب خداوند عیسای مسیح فرزند پدر در راستی و محبت بر شما
- ۴ باو \* بسیار خوشوقت بودم که یافتم بعضی از فرزندان تو را که در راستی رفتار می نمودند چنانکه از پدر فرمان یافته ایم \* وای خاتون
- ۵ حال از تو سؤال مینمایم نه آنکه حکم تازه بتو می نویسم بلکه آنچه را از نخست داشتیم که یکدیگر را محبت نمائیم \* و محبت آنست که
- ۶ بر وفق احکامش رفتار نمائیم و اینست آنحکم که از آغاز شنیدید که موافق آن رفتار نمائید \* که مکاران بسیار بد دنیا در آمده اند که
- ۷ اقرار نمی نمایند که عیسای مسیح مجسم شده است و چنین کس
- ۸ مکار و مخالف مسیح است \* خود را محافظت نماید تا آنکه آنچه
- ۹ کرده ایم بر او ندهیم بلکه تمام مزور را بچنگ آریم \* و هر کس که تجاوز مینماید و در تعلیم مسیح توقف نمی نماید خدا را ندارد و هر کس که
- ۱۰ در تعلیم مسیح می ماند او هم پدر و هم پسر را دارد \* اگر کسی بنزد شما آید و آن تعلیم را نیارد او را بخانهٔ خود راه ندهید و او را سلام
- ۱۱ مکتوبید \* از آنجا که هر کس که او را سلام میگوید در افعال قیاسش

نامهٔ ثانی یوحنا

۱۲ شریک میگرد \* چیزهای بسیار دارم که بشما بنویسم لیکن نخواستم  
که بکاغذ و مرکب نوشته باشم بلکه امیدوارم که خود بنروز شما آمده  
۱۳ مشافهتہ تکلم نمایم تا که سرور ما کامل گردد \* و فرزندان خواهر بر  
گزیدهٔ تو نوراً سلام میرسانند آمین

نامهٔ سیم عام یوحنا صواری

- ۱ کشیش بجایوس محبوب (مینویسم) که در راستی اورا دوست
- ۲ میدارم \* ای محبوب زیاده از هر چیز دعا مینمایم که چنانکه جان تو
- ۳ در خیریت است خورت نیز در خیریت و عاقبت باشی \* که
- بسیار خورسند کشتم چون آمدند برادران و شهادت بر راستی تو
- ۴ می دهند چندانکه تو در راستی رفتار مینمائی \* و مرا بیش ازین
- خورسندی نیست که بشنوم که فرزندان من در راستی رفتار
- ۵ می نمایند \* ای محبوب بجهت برادران و مسافران آنچه می
- ۶ نمائی بطرز مومنان می نمائی \* چه آنها نرو کلیسیا بر محبت تو
- شهادت و اوند و تو اگر بطور شایستهٔ خدا آنها را بدرقه نمائی خوب
- ۷ خواهی کرد \* زانرو که بجهت اسم وی بیرون آمده اند و از قبائل
- ۸ هیچ چیز نمی گیرند \* پس ما را واجب است که چنین اشخاص را
- ۹ راه دهیم که معین باشیم راستی را \* چیزی بکلیسیا نوشته ام
- لیکن دیوطرفیش که می خواهد بر آنها توفیق جوید ما را قبول نمی
- ۱۰ نماید \* لهذا اگر ایم بخاطرش آرام آن رفتاری را که می نماید که

## نامهٔ پرووا

بسزنها می ناشایسته ما را استهنزا می نماید و باین قانع نگشته نه خود  
برادران را راه میدهد و نه کسان دیگر را که میخواهند میکنند  
۱۱ بلکه آنها را از کلیسیا اخراج می نماید \* امی محبوب بدی را پیروی  
نما بلکه نیکی را که نیکو کردار از خداست و قبیح کردار خدا را نیافته  
۱۲ است \* و میطریوس همگی خلق و خود راستی بر نیکی او  
شهادت میدهند و مانیز شهادت میدهیم و میدانید که شهادت  
۱۳ ما صدقست \* بسیار بود که بنویسم لیکن نخواستم که بمرکب  
۱۴ و قلم بتو نوشته باشم \* و امیدوارم که بزودی تو را دیده مشافهت  
کنم و تو نامم و سلام بر تو باد و دوستان تو را سلام میرسانند  
و دوستان را باسمه سلام برسان

## نامهٔ عام پرووای حواری

۱ پرووای بندهٔ عیسای مسیح و برادر یعقوب بمقدس شده کان در  
۲ خدای پدر و محفوظان خوانده بجهت عیسای مسیح \* (میخواهد)  
۳ که شمارا رحم و آرام و محبت در ترقی باد \* امی محبوبان چون  
سعی موفور میموم که ننویسم بشما چیزی در حق نجات مشترک  
ضرور میدانستم که مستدعیاً بشما نوشته باشم که بر آن ایمانی که  
۴ یک بار سپرده شد بمقدس جان افشانی نماید \* زیرا که مردی  
چند مخفیانه داخل شده اند که از قدیم این جزا بر آنها مقدر شده  
بود و مردمانی بی وینند که توفیق خدای ما را به بی پرهیزی بدل نموده

- ۵ \* و میخواهم که شمارا یاد آوری نمایم هر چند شما خود این را یکبار در  
 یافتید که خداوند بعد از آنکه قوم را از زمین مصر نجات داد بی  
 ۶ ایمان را هلاک نمود \* و ملائکه که نگاه نداشتند مرتبهٔ خور را و محل  
 خور را باز گذاشته تا محاکمهٔ روز عظیم در زنجیرهای ابدی در  
 ۷ ظلمت نگاه داشته است \* و هم بر این قیاس سدوم و غممه را  
 و نیز شهرهای اطراف که بطرز آنها فسق می نمودند و در پی جسم  
 غیر طبیعی می افتادند محل عبرت مینماید که سزای آتش ابدی را  
 ۸ پذیرفته اند \* و با وجود این این خوابیدهگان نیز جسم را آلوده مینمایند  
 و ارباب ریاست را ناچیز می انگارند و اهل منصب را رفض  
 ۹ مینمایند \* و حال آنکه میکائیل رئیس ملائکه هنگامی که با ابلیس  
 منازعت مینمود در بارهٔ بدن موسی جرأت این نمود که حکم  
 ۱۰ دشنام آمیزی نماید بلکه گفت خداوند تو را نهیب نماید \* و اینها بد  
 میگویند آنچه را نمی یابند و آنچه را بالطبع چون حیوانات غیر ناطق  
 ۱۱ می یابند از همان خور خراب مینمایند \* و وای بر آنها زانرو که در  
 راه قاین رفته اند و در ضلالت بلعم بجهت مزد خور را انداخته  
 ۱۲ اند و در بغاوت تباه گشته اند \* اینها در ضیافتهای محبتانه  
 شما لکهٔ هستند هنگامی که عیش مینمایند و خور را بیدغدغه سیر  
 مینمایند و ابرها هستند بی آب که از باوا چرخ میزنند و در خستان  
 ۱۳ پرموده و بی بر و در بارهٔ مرده از بیج برکنده شده میباشند \* و نیز  
 امواج پر خروش دریا که کف روسیاهی خور را بر می آرند  
 و ستاره‌های سیاری که سیاهی ظلمت ابدی بجهت آنها مقرر

- ۱۲ است \* و اخنوخ پشت هفتم از آدم ازینها اخبار نمود چون گفت  
 ۱۵ که اینک خداوند باروت مقدسه خوو می آید \* تا بر همه حکم  
 نماید و تمامی بیدینان را الزام دهد در باره همگی افعال بیدینی  
 آنها که کرده اند و در باره همگی سخنان درشت که آن کناه  
 ۱۶ کاران بیدین بر او گفته اند \* و اینها شورش کننده و کله مند و بر  
 وفق خواهشهای خوو رفتار کننده می باشند و وهن آنها بالفاظ  
 ۱۷ بلند تکلم می نماید و جهت نفع ظاهر اشخاص را می ستانید \* اما ای  
 ای محبوبان بخاطر آرید آن سخنانی را که از حواریان خداوند ما  
 ۱۸ عیسای مسیح پیش ازین اخبار کرده شده است \* که گفته اند  
 شمارا که خواهند بوو در اوان آخر ریشخند کننده گانی که بحسب  
 ۱۹ خواهشهای بیدین خوو رفتار خواهند نمود \* اینها آنانند که خود را  
 ۲۰ جدا میسازند و نفسانیند و روح را ندارند \* لیکن ای محبوبان شما  
 خود را در ایمان اقدس خوو تعمیر کنید و با روح القدس دعا نمائید  
 ۲۱ \* و خویشتن را در محبت خدا نگاهدارید و رحم خداوند ما عیسای  
 ۲۲ مسیح را همواره تا حیات ابدی منتظر باشید \* و بر بعضی با تمسیر  
 ۲۳ رحم نمائید \* و بعضی را از خوف برانید و از آتش بیغما برید و عداوت  
 ۲۴ کنید حتی لباسی را که از جسم آلوده شده است \* و آنکس را که  
 تواند شمارا معصوم نگاه دارد و حضور جلالش بیداغ و با سرور برپا  
 ۲۵ دارد \* یعنی خدای وحید حکیم راننده ما را جلال و بررگی و توانائی  
 و اقتدار حال و تا ابد الابد باد آمین



## مکاشفات یوحنا می آلهی

### باب اول

- ۱ مکاشف عیسا می مسیح که خدا ویرا عنایت نمود تا آنکه امور ویرا که زور واقع میگرد بر بنده کان خود ظاهر سازد و او فرشته خود را
- ۲ فرستاد و بوساطت او بر بنده خود یوحنا نمودار گردانید \* و اوست آنکس که شهادت داد بر کلام خدا و بر شهادت عیسا می مسیح
- ۳ و بر آنچه دید \* خوشحال آنکس که می خواند و آنکسانکه می شنوند سخنهای این نبوت را و نگاه میدارند آنچه را در او نوشته شده
- ۴ است زیرا که وقت نزدیک است \* یوحنا بان هفت کلیسیا که در آسیه هستند (میخواهد) که فضل و آرام از او که هست و بود
- ۵ و خواهد بود و از آن هفت روحی که در پیش تخت اوست \* و از عیسا می مسیح که شاهد معتبر و نخست زاده مردگان و سر
- ۶ پادشاهان زمین است بر شما باد و او را که ما را محبت نمود و ما را بخون خود از گناهان ما شست \* و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان
- ۷ و گاهنان گردانید تا ابد الابد جلال و قدرت باد آمین \* اینک با ابراهام می آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند
- ۸ و تمامی طوائف زمین بجهت وی خواهند نالید آری آمین \* و من هستم الفا و امکا و ابتدا و انتها فرمان خداوند است که هست
- ۹ و بود و خواهد بود قادر علی الاطلاق \* من که یوحنا و برادر شمامیم و در

- مصیبت و ملکوت و انتظار عیسای مسیح رفیق شما هستم  
 بجهت کلام خدا و شهادت بر عیسای مسیح وارو بحزیره که  
 ۱۰ مستمی بیظمس است کردیدم \* و در روز خداوندی در روح شدم  
 ۱۱ و از عقب خود آواز بلندی چون صدای صور شنیدم \* که گفت  
 من الفا و اوکا اول و آخر هستم و نیز این را که آنچه را مشاهده می  
 نمائی در صحیفه بنکار و هفت کلیسیای آسیه بفرست بافسس  
 ۱۲ و سمرنا و هر کمس و تیه تیره و سرویس و فلدلفیه و لاتکیه \* و هر کشتم  
 تا بنکرم آن آوازی را که با من تکلم نمود چون بر کشتم هفت  
 ۱۳ چراغدان از کلا دیدم \* و در میان آن هفت چراغدان چون فرزند  
 انسان را که تا بپا ملبس بود و بر پستانها حمایل طلائی بسته بود  
 ۱۴ \* و سرش و موی سرش چون پشم سفید بلکه چون برف سفید  
 ۱۵ بود چشمهای او چون شعله آتش \* و پاهای او مانند برج صیقلی  
 کویا در تنور بر آتش میبود و آوازش چون صدای آبهای بسیار  
 ۱۶ \* و داشت در دست راست خود هفت ستاره را و از وانش  
 شمشیر دو دمه تیز بیرون می آمد صورتش چون آفتاب که هنگام  
 ۱۷ اوج قدرتش می تابد \* چون ویرا دیدم چون مرده نرد قدمهای  
 وی افتادم لیکن او دست راست خود را بر من نهاد و مرا گفت  
 ۱۸ که مترس که منم اول و آخر \* و زنده هستم و مرده بودم و الحال تا ابد  
 الابد زنده هستم آمین و کلیدیهای جهنم و مرک نرز منست  
 ۱۹ \* بنویس آنچه را که دیده و آنچه هست و آنچه خواهد بود بعد ازین  
 ۲۰ \* و سر این هفت ستاره را که در دست راست من دیدی  
 و آن هفت چراغدان طلا اینست که آن هفت ستاره فرشتگان

آن هفت کلیسیا هستند و آن هفت چراغدان که مشاهده نمودی هفت کلیسیا میباشند

باب دوم

- ۱ و فرشته کلیسیای افسس بنویس که آنکس که هفت ستاره را بدست راست خود وارو و در میان هفت چراغدان طلا سیر
- ۲ مینماید این را میفرماید \* که من از کارهای تو و مشقت تو و صبر تو مستحضرم و اینکه تو بدان را متحمل نمی توانی شد و آنرا که ادعای
- ۳ حواری بودن دارند و نیستند آزموده و آنها را کاذب یافته \* و تحمل نموده و صبر و وزیره و جبهت اسم من محنت کشیده و خسته نکشته
- ۴ \* لیک یک سخن با تو دارم که محبت اول خود را فراموش کرده \* پس یاور که از کجا افتاده و توبه نما و اعمال نخستین را متوجه شو و الایرووی بنزدت آمده چراغذانت را از مکانش
- ۶ بر میکنم اگر توبه نمائی \* لیکن این را داری که افعال طایفه نیقلا بیان را دشمن داری که من نیز آنها را دشمن دارم
- ۷ \* و هر کس که کوشی وارد بشنود که روح بکلیساها چه چیز میگوید که هر کس که غالب آید من این را بوی خواهم داد که از درخت
- ۸ حیات که در وسط فرووس خداست اکل نماید \* و فرشته کلیسیای سمربیان بنویس که او که اول و آخر است و مرد
- ۹ و زیست این را میفرماید \* که من از افعال و مشقت و مفلسی تو مستحضرم و حال آنکه غنی هستی و از کفر آنها که خود را بهرودی
- ۱۰ می نامند و نیستند بلکه از معبد شیطان هستند \* و مطلقا مترس از آنچه از عذاب خواهی کشید و اینک ابلیس بعضی از شمارا

- در زندان خواهد افکند تا که آزمایش کرده شوید و تا ده روز آسیب  
خواهید کشید و تا بقتل ایمان دارباش که تاج حیات را بتو  
۱۱ خواهم بخشید \* و هر کس که کوشی دارد بشنود که روح بکلیسیا  
چه چیز میگوید که هر کس که غالب آید از مرگ ثانی ضرر نخواهد  
۱۲ یافت \* و فرشته آن کلیسیا که در پرکمس است بنویس  
۱۳ که صاحب شمشیر دو دمۀ تیز این را میفرماید \* که من  
افعال را میدانم و جانی را که ساکن هستی و آن جای تخت  
شیطانست و اینکه تو اسم مرا محکم گرفته و ایمانم را انکار نه نموده در  
چنان ایامی که انطیپاس شهید امین من در میان شما که مسکن  
۱۴ شیطانست کشته شد \* لیکن بعضی جزئیات بر تو دارم که  
تو در آنجا داری اشخاصی را که اعتقاد بلعم را دارند که او  
آموزت بلاقرا که بیندازد در راه بنی اسرائیل سنگ مصادوم را  
۱۵ که از قربانیهای بتها بخورند و زنا نمایند \* و نیز تو آن اشخاصی را  
داری که اعتقاد نیقلایانرا دارند که آن چیز است که من اورا  
۱۶ دشمن دارم \* تایب باش ورنه بروی بنودت آمده و با شمشیر  
۱۷ دهن خود با آنها جنگ میثامیم \* هر کس که کوش دارد بشنود که  
روح بکلیسیا چه میگوید هر کس که غالب آید این را بوی خواهم  
داد که از آن من مخفی بخورد و اورا سنگ سفیدی خواهم داد  
که بر آن سنگ اسم نوی مرقوم است که هیچ کس نمی فهمد  
۱۸ جز آنکه یافته است \* و فرشته کلیسیای ثیه تیره بنویس که پسر  
خدا که چشمهای او چون شعله آتش و پاهای او مانند برج صیقلی  
۱۹ است این را میفرماید \* که من اعمال و محبت و خدمت و ایمان

- و صبر بلکه همهٔ افعال تورا دانسته ام و اینکه افعال آخر تو بیش  
 ۲۰ از افعال اولست \* لیکن بعضی جزئیات بر تو دارم که تو آنرا  
 یعنی یریبیل که خور را نبیّه میگوید اجازت داده که تعلیم دهد و بفریبد  
 ۲۱ ملازمان مرا که زنا کنند و از قربانیهای بتها بخورند \* و من او را  
 ۲۲ مهلت دارم تا از زناکاری خود تائب شود و تائب نشد \* اینک  
 من او را به بستر میبندازم و آنانیز که با او زنا می نمایند در صورتی که  
 از افعال خود تائب نشوند بمصیبت سخت مبتلا میسازم  
 ۲۳ \* و اولوش را بهلاکت خواهم انداخت و همگی کلیسیایا خواهند  
 دانست که من ضمیر و قلب هر کس را تفحص می نمایم و هر یک  
 ۲۴ از شما را بر وفق اعمالش خواهم داد \* اما بشما و باقی آنان که در نیه  
 تیره هستند و این اعتقاد را ندارند و بتجر شیطان را چنانکه میگویند  
 ۲۵ نفهمیده اند میگویم که باری دیگر بر آنها نمیگذارم \* جز اینکه تمسک  
 ۲۶ جوئید آنچه دارید تا هنگام آمدن من \* و هر کس که غالب آید و تا  
 ۲۷ انجام اعمال مرا نگاه دارد و مرا بر قبائل اقتدار خواهد داد \* که بر  
 آنها بعضای آهنی حکمرانی خواهد کرد که چون کوزه های کوزه گر  
 ۲۸ خورده میشوند بنوعی که من از پدر خود یافته ام \* و من او را ستاره  
 سحری خواهم داد \* هر کس که گوش دارد بشنود که روح کلیسیایا  
 چه چیز میگوید

### باب سیم

- ۱ و نفرشته کلیسیای سارویس بنویس که صاحب هفت ارواح خدا  
 و هفت ستاره این را میفرماید که من افعال را میدانم که تو اسم  
 ۲ زنده کسی را داری لیکن مرده \* بیدار شو و آنچه را باقیست که

- نزدیک بفتاح استوار نما زانرو که افعالت را نزد خدا کامل  
 ۳ نیافتم \* پس بخاطر آر که چگونه یافته و شنیده نگاه دار و توبه نما که  
 اگر بیدار نباشی خواهم آمد بر تو چون زردی که تو یسخر خواهی  
 ۴ بود از ساعت آمدنم بر تو \* و تو در سارویس هم چند شخص را  
 داری که لباس خورا ملوث نموده اند و ایشان سفید پوش با  
 ۵ من خواهند خرامید از آنجا که سزاوارند \* و هر آنکه غالب آید  
 بجامه سفید ملتبس خواهد گشت و اسمش را از کتاب حیات  
 محو نخواهم نمود بلکه بنام وی نزد پدر خود و نزد فرشتگان اقرار  
 ۶ خواهم نمود \* هر آنکه کوشی وارد استماع نماید که روح بکلیسیا چه  
 ۷ سخن میگوید \* و فرشته کلیسیای فدلغیه بنویس که آنکس که  
 مقدس و راست گو و با اوست کلید او و او می کشاید چنانچه  
 هیچ کس نمی بندد او می بندد چنانچه هیچ کس نمیکشاید این را می  
 ۸ فرماید \* که من افعالت را دانستم اینک در کشاوه را در پیشت  
 نهاده ام که هیچ کس را قدرت بستن آن نیست از آنجا که  
 قلیل طاقتی داری و کلامم را سخت گرفته و اسم مرا انکار نکرده  
 ۹ \* اینک از معبد شیطان میگردانم آنانی را که خورا به زودی می  
 نامند و نیستند بلکه دروغ گویند الحال چنین خواهم نمود که بیایند  
 و نزد پاهای تو سجود نمایند و بایند که من تورا دوست می دارم  
 ۱۰ \* از آنجا که تو کلام صبر مرا نگاه داشته من نیز تورا نگاه خواهم  
 داشت از آن امتحانی که قریب است که بر همگی ربع مسکون  
 ۱۱ طاری گردد که مقیمان ارض را امتحان کند \* اینک من زودی  
 ۱۲ می آیم و محکم بگیر آنچه را داری که مبادا دیگری تاج تورا بگیرد \* و هر

آنکو غالب آید من اورا در هیکل خدای خود ستون میسازم که  
 دیگر بیرون نخواهد رفت و بروی اسم خدای خوررا واسم شهر  
 خدای خوررا که اورشلیم نواست و از آسمان از نرو خدای من  
 ۱۳ نازل می شوو واسم نو خوررا خواهم نوشت \* وهر آنکس که  
 ۱۴ کوشی وارو بشنوود که روح چه میفرماید بکلیسیا \* بفرشته کلیسیای  
 لاتکیان بنویس که آن شاهد امین راست کو مبداء خلقت خدا  
 ۱۵ این را میفرماید \* که من افعالت را میدانم که تونه سرد و نه گرمی  
 ۱۶ کاش یا سرد یا گرم میبووی \* پس از ملولی تو که نه سرد و نه گرمی  
 ۱۷ نرویک است که تورا از دهن خود بیرون افکنم \* تو میگوئی که  
 من دولت مند و مستغنی هستم و به هیچ چیز احتیاج ندارم و غافل  
 ۱۸ از آنکه مستمند و ذلیل و مفلس و کور و برهنه \* و من صلاح تورا  
 چنین می بینم که بخرمی از من طلای مصفا شده بآتش را تا آنکه  
 صاحب مکت شوی و نیز رخت سفید را تا که پوشیده شوی که  
 مبادا ننگ برهنگی تو فاش گردد و بال بر چشمهای خود مرهم را  
 ۱۹ تا بینا شوی \* و هر کس را که دوست میدارم من ایشانرا الزام  
 ۲۰ و تنبیه مینمایم پس با غیرت باش و توبه نما \* اینک بر در ایستاده  
 ام و میگویم و اگر کسی آواز مرا بشنوود و در را باز نماید بنروش من آمی  
 ۲۱ و با وی نان می خورم و او نیز با من خواهد خورد \* و هر کس که  
 غالب آید من این را بوی میدهم که در تخت من با من بنشیند  
 ۲۲ چنانچه من که نیز غلبه یافته ام با پدر خود بر تختش نشستم \* و آنکس  
 که کوشی وارو بشنوود که روح بکلیسیا چه می فرماید

باب چهارم

- ۱ بعد از آن نگاه کردم که نگاه دروازه در آسمان باز شد و نخست صدائی چون صور شنیدم که با من تکلم نمود و گفت بدین سو بالا
- ۲ بیا تا من تو را نشان دهم از آنچه بعد ازین بوقوع می آید \* فی الفور در روح شدم که نگاه تختی در آسمان گذارده شد و بر تخت
- ۳ نشیننده \* و آن نشیننده تخت در شمالی چون سنگ بستم و باقوت بود و قوس قزحی بر کرد آن تخت بود که رنگ زرد داشت \* و بر اطراف آن تخت بیست و چهار تخت بود و دیدم که بیست و چهار برک بر آن تختها نشسته و رختهای سفید
- ۵ پوشیده بودند و ناجی از طلا بر سرهای خود داشتند \* و بیرون می آمد از آن تخت بر قها و ردعا و صداها و هفت چراغ آتشین در پیش
- ۶ تخت مشتعل بود و این هفت روح خداست \* و در پیش تخت دریائی از شیشه چون بلور بود و در وسط و اطراف تخت چهار حیوان
- ۷ بودند که پیش رو و پشت سر آنها پر از چشم بود \* و حیوان اول چون شیر بود و حیوان دوم چون کوساله و حیوان سیم در صورت
- ۸ شبیه مردم بود و حیوان چهارم چون عقاب پرنده \* و این چهار حیوان هر یک شش پر بر اطراف داشتند و اندرون پر از چشمها
- بود و شب و روز باز نمی ایستادند از گفتن قدوس قدوس قدوس
- ۹ خداوند خدای قادر علی الاطلاق که بود و هست و خواهد بود \* و چون آن حیوانات عزت و تکریم و شکر گذاری مینمایند آن تخت
- ۱۰ نشین را که تا ابد الابد زنده است \* آن بیست و چهار برک پیش نشیننده عرش می افتند و او را که تا ابد الابد زنده است



۱۱ سجده می کنند و تاجهای خور را نرد تخت می اندازند \* و میگویند  
خداوند سزاوار هستی که بجلال و اکرام و توانائی ستوده شوی از  
آنجا که همه را تو آفریده و بمشیت تو هستند و آفریده شدند

باب پنجم

- ۱ و دیدم بر دست راست تخت نشین کتابی را که اندرون و پشتش
- ۲ نوشته شده بود و بهفت مهر مختوم بود \* و فرشته توانائی را دیدم که
- ۳ باواز بلند فریاد نمود که کیست سزاوار آن که کتاب را کشاید
- ۴ و مهرهای آنرا باز کند \* و هیچ کس در آسمان یا در زمین یا در زیر
- ۵ زمین نتوانست که آن کتاب را کشاید یا در آن نبرد \* و من
- بسیار گریستم که هیچ کس پیدا نشد که شایسته آن باشد که آن
- ۵ کتاب را کشاید و خواند بلکه در آن بنبرد \* و یکی از بزرگان مرا
- گفت که گریه مکن که اینک آن شیر که از فرقه یهودا و ریشه
- و او است غالب آمده است تا آنکه کتاب را کشاید و هفت
- ۶ مهرش را باز کند \* و نگاه دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در
- وسط بزرگان بره ایستاده بود که گویا زنج شده بود و داشت
- هفت شاخ و هفت چشم که هفت روح خدایند که تمامی زمین
- ۷ فرستاده شده اند \* پس او آمد و کتاب را از دست راست
- ۸ نشیننده تخت گرفت \* و چون کتاب را گرفت آن چهار
- حیوان و بیست و چهار بزرگ که با هر یک از آنها بربطها
- و پیالههای طلای پر از بویهای خوش که دعای مقدسانست
- ۹ بود نرد آن بره افتادند \* و بسرودی تازه می سرودند و می گفتند که
- تویی سزاوار آنکه کتاب را بگیری و مهرهای آنرا بشکنی زانرو که

ذبح شده و از برای خدا بخون خود از هر فرقه و زبانی و قومی و طایفه  
 ۱۰ ما را خریده \* و ما را بجهت خدای ما پادشاهان و کاهنان گردانیده  
 ۱۱ دور زمین پادشاهی خواهیم نمود \* و نگاه کردم و شنیدم آواز  
 فرشتگان بسیار بر ابر و دره تخت و آن حیوانات و پررکان را که عدد  
 ۱۲ آنها ده هزار و ده هزار و هزاران هزار بود \* که با آواز بلند می گفتند  
 که سزاوار است بره ذبح شده که بتوانائی و دولت و عقل و زور  
 ۱۳ و عزت و جلال و برکت ستوده شود \* و هر مخلوقی که در آسمان  
 دور زمین و در زیر زمین و آنانیکه در دریا و هر آنچه در آنهاست  
 شنیدیم که می گفتند نشیننده تخت و بره را شکر و عزت و جلال  
 ۱۴ و قدرت تا ابد آلاود باد \* و چهار حیوان گفتند آمین و آن  
 بیست و چهار بررک افتاوند و سجده نمودند او را که تا ابد آلاود  
 زنده است

### باب ششم

۱ چون بره یکی از مهر را را کشاد نگاه کردم و شنیدم که یکی از آن  
 ۲ چهار حیوان بصدائی چون رعد می گفت بیا و ببین \* چون  
 نگرستم اسپ سفیدی بود را کبش را گمانی بود و باو تاجی داده  
 ۳ شد و باغلبه بیرون آمد و تا آنکه غلبه یابد \* چون مهر دوم را کشاد  
 ۴ شنیدم که حیوان دوم می گفت بیا و ببین \* و بود اسپ و دیگری  
 که بر که بیرون آمد و بر کبش این داده شد که صلح را از زمین مرتفع  
 نماید و اینکه همه دیگر را قتل نمایند و شمشیری بررک بوی داده شد  
 ۵ \* و چون مهر سیم را کشاد حیوان سیم را شنیدم که می گفت بیا

- و بین دیدیم و بود اسپ سیاهی که سوارش داشت در دست  
 ۶ خود ترازوئی \* و از میان چهار حیوان آوازی را شنیدیم که  
 میگفت یک وقت کندم بیک درهم و جو سه وقت بیک درهم  
 ۷ و روغن و شراب را ضرر مرسان \* و چون کشاد مهر چهارم را  
 ۸ آواز حیوان چهارم را شنیدیم که میگفت بیا و بین \* و دیدم که بود  
 اسپ سمندی و بود اسم راکبش مرک و ملازم او بود قبر و تا  
 چهارم زمین اختیاری بانها داده شد که بشمشیر و قحط و مرک  
 ۹ و حیوانات زمین بکشند خلق را \* و چون کشاد مهر پنجم را در  
 زیر مذبح دیدم نفوس آنانی را که در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند  
 ۱۰ کشته شده بودند \* که باواز بلند فریاد می نمودند که تا چند ای مولای  
 مقدس راست کو انصاف نمی نمائی و انتقام خون ما را از سکنه  
 ۱۱ ارض نمی کشی \* و داده شده بهر یک از آنها جامهائی سفیدی  
 و بانها گفته شد که اندکی دیگر تأمل نمایند تا هنگامی که همقطاران  
 آنها در بنده کسی و برادران آنها که چون آنها کشته میشوند تمام شوند  
 ۱۲ \* و چون مهر ششم را کشاد نگاه دیدم که زلزله عظیمی شد و آفتاب  
 ۱۳ چون پلاس پشمی سیاه شد و ماه چون خون گردید \* و ستارهای  
 آسمان بر زمین افتادند بنوعی که درخت انجیر از باد شدید تکان  
 ۱۴ خور و وحیرت های اول خور را بینشانند \* و آسمان چون صحیفه  
 پیچیده شد در گذشت و هر کوه و جزیره از مقام خود منتقل  
 ۱۵ گشت \* و سلاطین زمین و پسرکان و اغنیا و سروران و ارباب  
 اقتدار و هر بنده و هر آزادی خور را در مغاره ها و سنگهای کوا

۱۶ پنهان نمودند \* و یکوا و سنگها می گفتند که بر ما بیفتید و ما را از  
 ۱۷ صورت نشیننده تخت و غضب بره پنهان نمائید \* زانرو که روز  
 عظیم غضبش آمده است و کیست که تاب مقاومت آورد

باب هفتم

۱ بعد از آن دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستادند و چهار  
 باد زمین را گرفتند تا آنکه مطلقاً باد بر زمین یا بر دریا یا بر درخت  
 ۲ نوزد \* و فرشته دیگر را دیدم که از مشرق بالا می آمد و داشت مهر  
 خدای زنده را و بان چهار فرشته که مقرر شدند که بر زمین و دریا  
 ۳ زیان رسانند باواز بلند فریاد نمود \* و گفت زمین و دریا  
 و درختها را آسیمی مرسائید تا هنگامی که بنندگان خدای ما را  
 ۴ پیشانیهای ایشان را مهر نمائیم \* و عدو مهر کرده شده کان شنیدیم  
 که از تمامی فرق بنی اسرائیل یک صد و چهل و چهار هزار مهر  
 ۵ شدند \* از فرقه یهووا دوازده هزار و از فرقه راوین دوازده هزار  
 ۶ از فرقه کاو دوازده هزار \* از فرقه اشیر دوازده هزار از فرقه  
 ۷ نفتالی دوازده هزار از فرقه منسی دوازده هزار \* از فرقه شمعرن  
 دوازده هزار از فرقه لاوی دوازده هزار از فرقه اسخار دوازده هزار  
 ۸ \* از فرقه زبولون دوازده هزار از فرقه یوسف دوازده هزار از فرقه  
 ۹ بن یمین دوازده هزار مهر شدند \* و بعد از آن دیدم که گروه  
 بسیاری را که هیچ کس آنرا نتوانست بشمرد از هر طایفه و فرقه  
 و قومی و زبانی که پیش تخت در حضور بره ایستاده و جامهای  
 ۱۰ سفید پوشیده بوزند و شاخهای نخل را در دست گرفته \* باواز  
 بلند فریاد می کردند و می گفتند نجات خدای ما را که تخت نشین

۱۱ است و بره راست \* و همگی ملائکه در دور تخت و بررگان و آن  
 چهار حیوان که ایستاده بودند در پیش تخت بر رو افتادند  
 ۱۲ و خدا را سجده نمودند \* و گفتند آمین برکت و جلال و غفل و شکر  
 ۱۳ و عزت و توانائی و قدرت تا ابد الآباد خدای ما راست آمین \* و یکی  
 از آن بررگان مرا مخاطب ساخته گفت این سفید پوشان  
 ۱۴ کیانند و از کجای آیند \* من او را گفتم خدایا تو میدانی مرا گفت  
 اینها آنانند که از عذاب شدید می آیند و در خون بره جامهای  
 ۱۵ خورده شستند و سفید نمودند \* ازین جهت پیش تخت خدایند  
 و شب و روز در هیكل او بنده کیش نمایند و او نشیننده تخت  
 ۱۶ بر آنها سایه خواهد افکند \* و دیگر نه کرسنه خواهند بود و نه تشنه خواهند  
 ۱۷ بود و آفتاب و هیچ حرارتی بر آنها نخواهد تابید \* زانرو که آن بره  
 که در وسط تخت است آنها را خواهد چرانید و چشمهای زنده  
 آب آنها را راه نمائی خواهد نمود و خدا هر اشکی را از چشمهای  
 آنها محو خواهد نمود

### باب هشتم

۱ و چون کشاور مهر هفتم را تا مدت نیم ساعت در آسمان خاموشی  
 ۲ بدید گشت \* و آن هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده  
 ۳ بودند دیدم که هفت صور بانها داده شد \* و فرشته دیگر آمده نرو  
 مذبح ایستاد و داشت مجسمی از طلا و بومی داده شد بویای خوش  
 که تا با دعای همگی مقدسان در قربانگاه طلایی که پیش تخت  
 ۴ است بگذارند \* و دور بویای خوش با دعای مقدسان از دست  
 ۵ فرشته بنزد خدا صعود نمود \* و آن فرشته مجسم را گرفته و از آتش

- ۶ قربان گاه بر کرده بر زمین انداخت و صدایا و رعدا و برقهها و زلزلهها  
 واقع گشت \* و آن هفت فرشته مالکان صور صورهای خود را  
 ۷ مستعد نمودند که صور دهند \* و فرشته اول صور زد و تکرک  
 و آتش خونین پیدا شده بر زمین ریخته شد و ثلث درختان  
 ۸ و هر گیاه سبز سوخته شد \* و فرشته دوم صور دمیده چون کوهی  
 بر رک با آتش افروخته شده و بدریا افکنده شد و ثلث دریا خون  
 ۹ شد \* و ثلث مخلوقات جان دار دریائی مروزند و ثلث کشتیها تباہ  
 ۱۰ شد \* و فرشته سیم صور دمید و کوکب عظیمی چون چراغ افروخته  
 از آسمان بریز آمد و بر ثلث رود خانها و چشمهای آب وارد  
 ۱۱ گشت \* و اسم آن ستاره افسنتین است و ثلث آن آنها  
 افسنتینی شد و مردم بسیار مروزند از آن آب زیرا که تلخ شده بود  
 ۱۲ \* و فرشته چهارم صور دمید و ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث  
 ستارهها ضرب خورده بنوعی که ثلث آنها تاریک شد و ثلث  
 ۱۳ روشنی روز و شب نیز کم شد \* و دیدم فرشته را و شنیدم که در  
 فضای آسمان می پرو و باواز بلند میگوید وای وای بر  
 ساکنان زمین بجهت آن صدایا آن صور سه فرشته باقی  
 مانده که باید صور دهند

باب نهم

- ۱ و فرشته پنجم صور دمید و دیدم که ستاره از آسمان بر زمین افتاد  
 ۲ و کلید کور بی قعر بوی داده شد \* و کور بی پایا را کشاد و بالا رفت  
 از آن کور دودی چون دود تنور عظیم و آفتاب و هوا از دود آن  
 ۳ کور تاریک شد \* و از میان دود ملخها بر زمین ریختند و داده

- ۴ شده آنها را قدرتی چون قدرت عقربهای زمین \* و آنها را امر شد که علف زمین و هر کوفه گیاهی را و هر درختی را ضرر نرسانند
- ۵ جز آن اشخاصی را که مهر خدا را در پیشانی خود ندارند \* و آنها امر شد که ایشان را نکشند بلکه مدت پنج ماه مغرب وارند و تغذیب آنها چون تغذیب عقرب که خلق را می کزند است
- ۶ \* و در آن اوان خلق مرک را طلب خواهند نمود و آنرا خواهند یافت و ایشان خواهش مرک خواهند نمود و مرک از ایشان خواهد گریخت \* و شکل ملخها چون اسپهائی که بجهت جنگ آراسته شده باشند میبود و بر سر آنها تاجهای چون طلا می بود و صورت آنها شبیه به مردم \* و چون موسی زنان موئی داشتند
- ۹ و زندانهای آنها چون زندان شیران میبود \* و داشتند چهار آئینهای چون چهار آئینه آهنی و صدای پر آنها چون صدای اربابهای اسپان بسیار که در جنگ میدوند \* و دمهای چون دم عقرب می داشتند و در دمهای آنها نیزه های می بود و قدرت آنها بر تغذیب خلق پنج ماه می بود \* و پادشاهی وارند که فرشته کور بی پایانست و در عبری اسمش ابدون و در یونانی ایلینوست
- ۱۲ \* و یک وای گذاشته است و اینک دو وای دیگر بعد ازین می آید \* و فرشته ششم صور و امید و آوازی را از چهار شاخ قربانگاه طلایی که نزد خداست شنیدیم \* که بان فرشته ششم که صاحب صور بود میگوید که تو آن چهار فرشته را که در رو خانه نزرک فرات بسته شده اند خلاص نما \* پس خلاصی یافتند آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده اند که ثلث مردم را

- ۱۶ بکشند \* و عدد سواران فوجها رو بست هزار هزار بود و این  
 ۱۷ عدد را من خود شنیدیم \* و باین سیاق آن اسپان و سواران  
 آنها را در رؤیا دیدم که چهار آئینه‌های آتش و سنبل و کبریت  
 کون داشتند و سر اسپان چون سرهای شیر بود و از دنان آنها  
 ۱۸ آتش و دود و کبریت بیرون می‌آمد \* و ازین سه چیز یعنی آتش  
 و دود و کبریت که از دنان آنها بیرون می‌آمد ثلث خلق هلاک  
 ۱۹ شدند \* زانرو که قدرت آنها در دنان و دمهای آنها هست زیرا  
 که دمهای آنها چون ماران میبود که سرها داشتند و آنها ضرر  
 ۲۰ می‌رسانند \* و باقی مانده خلق که ازین مصیبتها هلاک نشدند  
 از صنعت و مستهای خود توبه نه نمودند که نپرستند شیاطین و بت‌های  
 طلائی و نقره و برنجی و سنکی و چوبی را که نه توانائی دیدن و شنیدن  
 ۲۱ دارند و نه روش میدانند \* و از قتلها و جادوگریها و زنا و زوربهای  
 خود توبه نه نمودند

باب دهم

- ۱ و فرشته تنومند دیگری را دیدم که از آسمان نازل می‌شد و پوشیده  
 بود با بری و قوس قزح بر سرش و صورتش چون آفتاب  
 ۲ و پایهایش چون ستون‌های آتش میبود \* و داشت در دست  
 خود کتاب کوچک کشاده و زبان پای راست خود را بر دریا  
 ۳ و پیش را بر زمین \* و باواز بلندی چون غرش شیر فریاد نمود  
 ۴ و چون فریاد نمود هفت رعد صدا دادند \* و چون آن هفت رعد  
 صدا دادند من در اراده نوشتن بودم که آوازی را از آسمان  
 شنیدم که مرا گفت بر آنچه آن هفت رعد گفتند مهر کن و آنرا



- ۵ منویس \* و دیدم آن فرشته را که بر دریا زمین ایستاده بود که
- ۶ دست خور را باسمان بلند نمود \* و سو کند یاد کرد که بانگس که
- تا ابد آبار زنده است و آسمان و آب و پیش زمین و آب و پیش دریا
- ۷ و آب و پیش را آفرید که و یکر زمان خواهد بود \* بلکه هنگامی که فرشته
- هفتم صور مد سر خدا بغایت خواهد انجامید چنانچه به بنده کان
- ۸ خور پیغمبران خبر داده است \* و آن آوازیرا که از آسمان
- شنیدم باز با من تکلم نمود که برو و آن کتاب کوچک کشاوه را
- که در دست آن فرشته است که بر دریا زمین ایستاده است
- ۹ بگیر \* و من بنزد فرشته رفته گفتم کتاب کوچک را بمن ده مرا گفت
- بگیر آنرا و بخور که اندرونش را تلخ خواهد نمود لیکن در دانست
- ۱۰ چون عسل شیرین خواهد بود \* و کتاب کوچک را از دست
- فرشته گرفته خوردم و در و هضم چون عسل شیرین بود و چون
- ۱۱ خوردم اندرونم تلخ شد \* و مرا گفت که تورا لازم است که ایضا بر
- قومها و طوائف و زبانها و پادشاهان بسیار نبوت نمائی

### باب یازدهم

- ۱ و تنی چون عصا بمن داده شده و امر شد که برخیز و هیکل خدا
- ۲ و قربانگاه و عبادت کننده گانی را که درویند به پیمان \* و قصر بیرون
- هیکل را بگذار و نه پیمان آنرا که بقبائل داده شد و شهر مقدس را
- ۳ چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود \* و دو شاهد خور را قدرت
- خواهم بخشید که پلاس پوشیده یک هزار و دو بیست و شصت
- ۴ روز اخبار نمایند \* اینها دو درخت زیتون و دو چراغدانند که نزد
- ۵ خدای زمین ایستاده اند \* و اگر کسی خواهد که آنها را ضرر رساند

- آتشی از دهن آنها بیرون می آید و دشمنان آنها را فرو میکشند که  
 اگر کسی خواهد که آنها را ضرر رساند هم چنین باید که کشته  
 ۶ شود \* و اینها قدرت بر بستن آسمان دارند که در ایام نبوت  
 آنها باران نبارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را بخون مبدل  
 نمایند و زمین را بهر قسم مصیبت گرفتار نمایند هر وقت که خواهند  
 ۷ \* و چون شهادت خود را بانجام رسانند آن حیوان که از کوو بی  
 پایان بر می آید با آنها خواهد جنگید و بر آنها دست خواهد یافت  
 ۸ و آنها را بقتل خواهد رسانید \* و مردارهای آنها در میدان آن  
 شهر بزرگ که معنی بسدوم و مصر مستمی میشود جائی که خداوند  
 ۹ ما مصلوب شد خواهد بود \* و خلقی از قومها و قبیلها و زبانها  
 و اصناف مردارهای آنها را سه روز و نیم خواهند دید و خواهند  
 ۱۰ گذاشت که نعشهای آنها در قبور مدفون شود \* و ساکنان زمین  
 بر آنها سرور خواهند نمود و شادمان خواهند گشت و بجهت  
 یکدیگر هدیهها خواهند فرستاد و زانو که این دو نبی ساکنان زمین را  
 ۱۱ عذاب می رسانند \* و بعد از آن سه روز و نیم از خدا روح حیات  
 در آنها در آمده بر پایهای خود ایستادند و بینندهگان آنها را خوف  
 ۱۲ عظیمی فرو گرفت \* و آواز بلندی را از آسمان شنیدند که آنها را  
 گفت باین سو بالا آئید پس در ابر آسمان صعود نمودند  
 ۱۳ و دشمنان آنها آنها را میدیدند \* و در همان ساعت زلزله عظیمی  
 واقع شد که ده یک از شهر خراب شد و هفت هزار نفر در آن زلزله  
 هلاک شدند و باقی مخوف گشته خدای آسمان را ستایش نمودند  
 ۱۵ \* و دای دوم در گذشت و الحال دای سیم می آید \* و فرشته

هفتم صور و مید و صدائی بلند در آسمان بلند شد که ممالک دنیا  
 از خداوند ما و مسیحش شده است و تا ابد آلاب و سلطنت خواهد  
 ۱۶ نمود \* و آن بیست و چهار بزرگ که بر تختهای خود نژد خدا  
 ۱۷ نشسته اند بر رو افتاده و خدا را ستایش نمودند \* و گفتند شکر می  
 کنیم تو را خداوند خدای قادر علی الاطلاق که هستی و بومی و خواهی  
 ۱۸ بود زانرو که قدرت عظیم خود را گرفته و سلطنت کرده \* و طوائف  
 غضب آلود بودند و حال آمده است غضب تو و وقت مردهگان  
 تا انصاف شود و مرز دهنی بندهگان و پیغمبران و مقدسان  
 و ترسناکان از اسم تو از بزرگ تا کوچک خود را و تا فاسد نمائی  
 ۱۹ مفسدان زمین را \* و هیکل خدا در آسمان باز شد و صندوق  
 پیماننش در هیکلش نمایان شد و بر قها و صدایا و زلزله و تکرک  
 بزرگی واقع گشت

### باب دوازدهم

۱ و علامتی عظیم در آسمان سر زو که زنی که پوشیده بود خورشید را  
 و ماه در زیر پایهای او بود و بر سرش تاجی بود از دوازده ستاره  
 ۳ \* آبتن شده و از دروزه و عذاب زادن فریاد می نمود \* و علامتی  
 و بیکر که در آسمان بدید آمد که نگاه از دوائی بزرگ آتشی که هفت  
 ۴ سر و ده شاخ داشت و بر سرهای او هفت افسر می بود \* و دمش  
 ثلث کواکب آسمان را جاروب نموده و بر زمین ریخت و آن  
 از دوا نزد آن زن که در زادن بود ایستاده که چون زاید بچپاش را  
 ۵ فرو گیرد \* و زائید بچپ زکوری که بعضای آهنین بر همه طوائف  
 حکم خواهد راند و آن بچپاش را ربوده بنزد خدا و تختش رسانیند

- ۶ \* و آن زن کربخت به سیابان و در آنجا مکانی داشت که از خدا معین شده بود که در آنجا او را یک هزار و دویست و شصت روز پیرواند \* و در آسمان جنگ شد که میکائیل با فرشتگانش با اژدها جنگ نمودند و اژدها با فرشتگانش نیز بجنگ درآمد
- ۸ \* لیکن غلبه نیافتند بلکه ویکر در آسمان مکان آنها یافت نشد
- ۹ \* و آن اژدهای بزرگ و مار قدیم که بابلیس و شیطان مستمی است که تمام مسکونرا میفریبد بر زمین انداخته شد و فرشتگانش نیز با وی افکنده شدند \* و آواز بلندی را شنیدیم که در آسمان می گفت حالا نجات و توانائی و سلطنت خدای ما و اقتدار مسیحش بوقوع پیوست زیرا که مدعی برادران ما که بر آنها نژد خدای ما شب و روز ادعا می نمود بریر افکنده شد \* و ایشان بجهت خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند و جان خود را دوست
- ۱۲ نداشتند تا بمرک \* لهذا شاد باشید ای آسمانها و ساکنان آنها و وای بر ساکنان زمین و دریا از آنجا که ابلیس با غضب شدید بنژد شما فرود آمده است چه میدانند که قلیل مدتی را مالک
- ۱۳ است \* و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شد مزاحم شد آن
- ۱۴ زنرا که بچۀ نرینرا زانیده بود \* و دو پر عقاب بزرگ بآن زن داده شد تا که به پرو در سیابان بمقام خود جائیکه پرورش یابد در زمان
- ۱۵ وزمانین و نصف زمان غایب از نظر مار \* و مار در عقب زن چون رود آب از دهن خود میربخت تا آنکه او را سیل فرو گیرد
- ۱۶ \* و زمین زن را حمایت نموده و کشاد دهن خود را و آن رودی را
- ۱۷ که اژدها از دهنش ربخت فرو گرفت \* و اژدها بر آن زن غضب

نموده رفت تا با باقی از نسلش که احکام خدا را نگاه میدارند  
 ۱۸ و شهادت عیسای مسیح را دارند جنک نماید \* و من بر ریک  
 دریا ایستاده بودم

باب سیزدهم

۱ که دیدم حیوانی از دریا بالا می آید که هفت سر و ده شاخ داشت  
 ۲ و بر شاخهای او ده افسر و بر سرهای او اسم کفر بود \* و آن  
 حیوانی را که دیدم شبیه بود پیلنک و پاپهای او چون پاپهای  
 خرس و دوانش چون دبان شیر بود و از او قدرت و تخت خود  
 ۳ و قوت عظیم را بوی داد \* چنان یافتیم که گویا یکی از سرهای او  
 زخم مهلکی خورد لیکن آن زخم مهلک شفا یافت و تمامی  
 ۴ زمین را در پی آن حیوان تعجب فرو گرفت \* و آن از دریا که  
 قدرت بآن حیوان بخشید پرستیدند و آن حیوانرا نیز پرستیدند  
 و گفتند که کیست که مثل این حیوانست و کیست که تواند  
 ۵ با او جنکید \* و بوی داده شد که بالفاظ بلند کفر آمیز تکلم نماید  
 ۶ و تا مدت چهل و دو ماه قدرت جنک بوی داده شد \* و دبان  
 خود را بکفر بر خدا کشاد تا آنکه کفر کوید بر آسمش و بر مسکنش و بر  
 ۷ ساکنان آسمان \* و قدرتی بوی داده شد که با مقدسان جنک  
 نماید و آنها را زبون سازد و قدرت بر هر قبیله و زبانی و طایفه بوی  
 ۸ داده شد \* و خواهند پرستید او را همگی ساکنان زمین که آسمانی  
 آنها در کتاب حیات بره زبج از بنای عالم مرقوم نشده است  
 ۱۰ \* اگر کسی کوش دارد بشنود \* اگر کسی اسیر نماید با سیری خواهد  
 رفت و اگر بشمشیر قتل نماید باید که بشمشیر کشته شود و در

- ۱۱ اینجاست صبر و ایمان مقدسان \* و حیوانی ویکرا دیدم که از زمین بیرون می آمد و چون تیره دو شاخ داشت و چون از دوائی
- ۱۲ صدا می نمود \* و قوامی قدرت حیوان سابق را در حضور او بفعل می آورد و باعث است این را که زمین و ساکنانش حیوان
- ۱۳ اول را که زخم مهلکش را شفا یافت بپرستند \* و آن علامات قوی را بجا می آورد بحدی که پیش روی مردم آتش را از آسمان
- ۱۴ بر زمین فروز می آرد \* و بسبب آن علامتهائی که بوی داده شد که در حضور آن حیوان بفعل آرد ساکنان زمین را
- میفریبد و امر مینماید ساکنان ارض را که شکلی بجهت آن حیوان
- ۱۵ که زخم شمشیر را خورده و زنده ماند بسازند \* و او را این قدرت بخشیده شد که بشکل آن حیوان جان بخشد تا که شکل آن
- حیوان تکلم نماید و امر کند که هر کس که شکل آن حیوان را نپرستند
- ۱۶ کشته شود \* و امر را بجائی میرساند که همه را از کهنتر و مهتر و فنی و فقیر و آزاد و بنده نقشی بروست راست یا بر پیشانی آنها بسازد
- ۱۷ \* و تا آنکه هیچ کس خرید و فروخت نتواند جز آنکس که نقش یا
- ۱۸ اسم حیوان یا عدد اسمش را داشته باشد \* و در اینجا حکمتی است که صاحب فهم عدد حیوان را شمارد که عدد انسان است
- و عددش ششصد و شصت و شش است

باب چهاردهم

- ۱ و دیدم که ناکه تیره بر کوه صبیون ایستاده است و باوی بوزد یکصد و چهل و چهار هزار که اسم پدرش را بر پیشانی خود ثبت
- ۲ نموده داشتند \* و آوازی را از آسمان شنیدیم چون صدای آبهای

- بسیار و چون صدای رعد بر رک و شنیدیم صدای بر بط نوازان را  
 ۳ که بر بطهای خود را می نواختند \* و می سرورند چون سرور تازه نرد  
 تخت و چهار حیوان و بررکان و هیچ کس آن سرور را نتوانست  
 آموخت جز آن یکصد و چهل و چهار هزار کس که از زمین خریده  
 ۴ شده بودند \* و اینها آنانند که با زنان آلوده نشدند و باکره هستند  
 و اینها آنانند که بره را پیروی می نمایند. هر جا که میروند و اینها از  
 ۵ میان مردم خریده شدند و نو بر خدا و بره اند \* و در دهن آنها مگرمی  
 ۶ یافت نشد و پیش تخت خدا بی عیب اند \* و دیدم فرشته ویکرا  
 که در فضای آسمان طیران می نمود و داشت مژده ابدی را که تا  
 ساکنان زمین را از هر صنف و قبیله و زبان و قومی را بان ندا  
 ۷ نماید \* و باواز بلند می گفت که از خدا بترسید و او را ستایش نمائید  
 زانرو که رسید زمان عدالتش پس به پرستید آفریننده آسمان  
 ۸ و زمین و دریا و چشمهای آب را \* و فرشته ویکر در عقب آمده  
 گفت که خراب شد بابلون آن شهر عظیم خراب شد زانرو که  
 ۹ از شراب غضب آلوده زنای خود بهم طوائف چشمانید \* و فرشته  
 سیمی در عقب آنها بود و باواز بلند می گفت که اگر کسی حیوان  
 و تمثالش را پرستد و نقش را بر پیشانی یا بدست خود پذیرد  
 ۱۰ \* و آنکس نیز از شراب غضب خدا که در ساغر قهرش بدون  
 شایه آمیخته شده است خواهد آشامید و با آتش و کوه کرد در حضور  
 ۱۱ فرشتگان مقدس و در حضور بره معذب خواهد گریید \* و در  
 عذاب ایشان تا ابد الابد بالا میروند و مطلقاً شب و روز آرام  
 ندارند آنانی که می پرستند حیوان و شکلش را و هر آنکس که نقش

- ۱۲ اسمش را می پذیرد \* اینجاست محل صبر مقدسان و اینجا  
 ۱۳ میباشند آنان که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه میدارند \* و آوازی را  
 شنیدیم از آسمان که مرا گفت بنویس که من بعد خوشا حال آن  
 مرده‌گان که در خداوند می میرند روح می گوید بلی چون از محنت‌هایی  
 ۱۶ خود آرام می گیرند و افعال آنها در عقب آنها روانست \* و نگاه  
 دیدم ابر سفیدی را که بر آن ابر شخصی چون فرزند انسان  
 نشسته بود که تاج طلائی بر سر داشت و بود در دست وی داس  
 ۱۵ تیزی \* و فرشته دیگر از هیکل بیرون آمده و باواز بلند بابر نشین  
 گفت که بینداز داس خود را و درو نما که هنگام درو نمودن تو  
 رسیده است زانرو که کشت زمین خشک گشته است  
 ۱۴ \* و نشیننده ابر داس خود را بر زمین انداخته زمین درویده  
 ۱۷ کشت \* و فرشته دیگر از هیکل آسمانی بیرون آمده که او نیز  
 ۱۸ داشت داس تیزی را \* و فرشته دیگر از قربانگاه بیرون آمده که  
 بر آتش مسلط بود و صاحب داس تیز را باواز بلند گفت که  
 داس تیز خود را بینداز و خوش‌های زمین را درو نما چه انکورهای  
 ۱۹ آن رسیده است \* و آن فرشته داس خود را بر زمین انداخت  
 و تاک زمین را چید و در می خانه بزرگ غضب خدا انداخت  
 ۲۰ \* و در می خانه خارج شهر پایمال شد و خون از می خانه بحدی  
 بیرون آمد تا که در یک هزار و ششصد تیر برتاب تا جلو اسپان می آمد

باب پانزدهم

- ۱ و علامتی دیگر بزرگ و عجیب در آسمان مشاهده نمودم که هفت  
 فرشته بودند که هفت صدمه آخرین با آنها بود که غضب خدا



۲ بانها بانام می رسید \* وملاحظه نمودم دریائی از آبکینه آتشین  
 واینکه آن اشخاص که بر حیوان وشکل ونقش وعدو اسمش  
 غالب آمدند که بر دریای شیشه ایستاده بودند وگرفته بودند  
 ۳ بربطهای خدارا \* وسرود موسی بنده خدا وسرود بزه را می سرودند  
 ومی گفتند خداوندای قادر علی الاطلاق افعال تو برترک  
 وعجیب است وپادشاه مقدسانا وراهای تورااست ومستویست  
 ۴ \* وکیست که نترسد از تو خداوندرا واسم تورا تکریم نمایم زانجا که  
 پاک هستی تو بتنهائی ونامی قبائل خواهند آمد وتورا در  
 ۵ حضورت خواهند پرستید از آنجا که ظاهر شد قضایای تو \* وبعد  
 از آن دیدم که نگاه هیکل محل شهادت که در آسمانست  
 ۶ کشاوه کشت \* وان هفت فرشته که صاحب هفت صدمه  
 بودند از هیکل بیرون آمدند وپارچه پاک درخشنده پوشیده بودند  
 ۷ وبر پستانهای ایشان کمر بند طلائی پیچیده شده بود \* ویک از  
 آن چهار حیوان هفت پیاله طلائی مملو از غضب خدائی که تا  
 ۸ ابد آباد زنده است بان هفت فرشته داد \* وهیکل از جلال  
 خدا وقدرتش پر وود کردید وپس کس باندرون هیکل نمی توانست  
 در آمد تا انتهاهای هفت صدمه آن هفت فرشته

باب شانزدهم

۱ وآواز بلندی را شنیدم از هیکل که بان هفت فرشته می گفت  
 ۲ بروید وپالهای غضب خدارا بر زمین بریزید \* وفرشته نخست  
 رفت وپیاله خودرا بر زمین ریخت که زخمی شدید وسخت بر  
 ۳ ارباب نقش حیوان وپرستندگان شکلش واقع گشت \* وفرشته

- دویم پیاله خوررا در دریا ریخت و آن چون خون مرده کشت  
 ۴ و هر جان دار که در دریا بود مرد \* و فرشته ششم پیاله خوررا بر رودها  
 ۵ و چشمهای آب ریخت و خون شد \* و از فرشته آهها شنیدیم که  
 گفت خداوند تو که هستی و بومی و خواهی بود پاک و راست  
 ۶ هستی که این انصاف را نموده \* از آنجا که ایشان خون مقدس  
 و پیغمبران را ریختند و تو ایشانرا خون داده که بنوشند و شایسته  
 ۷ آند \* و شنیدیم فرشته دیگر را که از قربانگاه می گفت بلی خداوند  
 ۸ خدای قادر مطلق قضا می تو راست و مستویست \* و فرشته  
 چهارم پیاله خوررا بر آفتاب ریخت که بآن این قدرت بخشیده  
 ۹ شد که خلق را با آتش بسوزاند \* و خلق بسوختنی سخت سوختند که  
 اسم خدا که بر این شد اید اقتدار دارد کفر کویند و توبه نمودند که  
 ۱۰ او را تعظیم نمایند \* و فرشته پنجم پیاله خوررا بر تخت حیوان ریخت  
 که سلطنتش تاریک کشت و زبانهای خوررا از درد گزیند  
 ۱۱ \* و خدای آسمانرا از دروازه زخمهای خود کفر گفتند و از افعال خود  
 ۱۲ توبه نمودند \* و فرشته ششم پیاله خوررا بر رودخانه بزرگ فرات  
 ریخت و آبش خشک گردید تا آنکه راه پادشاهان مشرق مهیا  
 ۱۳ شد \* و دیدیم که از دهن اژدها و از دهن حیوان و از دهن پیغمبر  
 ۱۴ کاذب سه روح پلید چون غوک \* که آن روحهای دیوان  
 معجز نشانند بیرون می آمدند و بنزد پادشاهان زمین و تمام مسکونه  
 میروند تا آنکه آنها را فراهم آورند. جهت جنگ روز عظیم خدای  
 ۱۵ قادر علی الاطلاق \* اینک من چون دزد می آیم خوشحال  
 آنکس که بیدار باشد و رختهای خوررا نگاه دارد که مبارک برهنه راه

۱۶ رو ونا شایسته تکلیش را به بینند \* وایشانرا در محلی که در عبری  
 ۱۷ ار مکتون کونید جمع نمود \* وفرشته هفتم پیاله خور را بر هوا ریخت  
 ۱۸ و آواز بلندی از هیکل آسمانی یعنی تخت بر آمد که شد \* و بید  
 آمد صدانا و رعنا و برقهها و چنان زلزله عظیمی واقع شد که از هنگامی  
 که مردم بر زمین قرار گرفته اند چنان زلزله واقع نشده است  
 ۱۹ \* و شهر بزرگ بسه یاره کشت و شهرهای قبائل خراب شد و یاد  
 آمد نرد خدا بابلون بزرگ که پیاله شراب قهر با سخطش رو باو  
 ۲۱ نهد \* و هر جزیره که بخت و کونا نابدید کشت \* و تکرکی عظیم که  
 هر وانه بوزن یک من بود از آسمان بر خلق فرو بارید و مردم  
 بسبب ضرب تکرک خدارا کفر گفتند زیرا که صدمه اش در  
 غایت بزرگ بود

باب هفدهم

۱ و یکی از آن هفت فرشته که صاحب هفت پیاله بودند آمد و با من  
 سخن راند و مرا گفت که بیا که نشان دهم من تورا سزای فاحشه  
 ۲ بزرگی را که بر آنها بسیار نشسته است \* و پاوشانان زمین با او  
 ۳ زنا کرده اند و از شراب زناهای او ساکنان زمین بیهوشند \* و روحا  
 مرا در بیابانی آورد و زنی را دیدم که بر حیوانی سرخ که بر از آسمانی  
 ۴ کفر و هفت سر ووه شاخ داشت نشسته بود \* و آن زن بسرخی  
 و قرمزی ملبس و بطلا و جواهر و مروارید مزین بود و پیاله طلائی را  
 ۵ مملو از کسافت و نجاستهای زناهای خود بر دست داشت \* و بر  
 پیشانی از این اسم مرقوم بود سر بابلون بزرگ و مادر زنا  
 ۶ و خبائت زمین \* و آن زنا را دیدم که از خون مقدسان و از خون

- شهبان عیسی مست بود و از ملاقات او بسیار تعجب نمودم
- ۷ \* و فرشته مرا گفت چرا حیرت در ای من سر این زن و حیوانی که
- ۸ هفت سر و ده شاخ دارد و او را می برود بر تو شرح می نمایم \* آن حیوانی که دیدی بود و نیست و از کور بی پایان بالا خواهد آمد و هلاکت خواهد رسید و تعجب خواهند نمود ساکنان زمین که اسمای آنها از بنای عالم در کتاب حیات نوشته نشده است از دیدن حیوان
- ۹ که بود و نیست و حال آنکه هست \* اینجاست فهمیدن صاحب فهم هفت سر هفت کوه هستند که زن بر آنها نشسته است \* و هفت سلطانند که پنج ساقط شده اند و یکی هست و دیگری هنوز نیامده است و چون آید بایست قلیلی درنگ نماید \* و آن حیوان که بود و نیست و آن هشتمین است که از
- ۱۲ مقوله آن هفت است که هلاکت میرسد \* و آن ده شاخی را که دیدی ده پادشاهند که هنوز بیادشاهی نرسیده اند بلکه ساعتی
- ۱۳ با حیوان چون سلاطین مقتدر خواهند کشت \* اینهمه یک اراده دارند و قدرت و اقتدار خور را بحیوان تسلیم خواهند نمود
- ۱۴ \* و اینها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها سرفراز خواهد بود زیرا که او خداوند خداوندان و پادشاه پادشاهانست و آنانیکه با او بند خوانده شده و بر کنزیده و امین اند \* و مرا گفت آن آبهایی که دیدی که فاحشه بر آن نشسته است و قومها و طایفه و قبیلها و زبانها ایند
- ۱۴ \* و آن ده شاخ که بر حیوان دیدی فاحشه را دشمن خواهند داشت و او را بینوا و برهنه خواهند نمود و اجزایش را خواهند
- ۱۷ خور و با تشش خواهند سوزانید \* که خدا در دلهای آنها انداخت

که قصد او را بجا آرند و بانفاق سلطنت خور را ب حیوان سپارند  
 ۱۸ تا هنگام تمام شدن کلام خدا \* و آن زن که دیدی آن شهر بزرگست  
 که بر سلاطین زمین سلطنت دارد

باب هجدهم

- ۱ بعد از آن دیدم فرشته را و بیکر که از آسمان نازل شد و صاحب
- ۲ قدرت عظیم بود و زمین از جلالش منور گشت \* و بقوت و آواز  
 بلند فریاد نمود که خراب شد خراب شد بابلون بزرگ و گردید  
 مسکن دیوان و محبس هر روح پلید و زندان هر طائر خبیث
- ۳ و مکروه \* از آنجا که همگی طوائف را از شراب غضب ز نامی خود  
 دادند آشامند و سلاطین زمین با او زنا کردند تجار زمین از  
 اسرافش مستغنی گردیدند \* و آواز و بیکری از آسمان شنیدم که
- ۴ گفت ای قوم من از وی بیرون آئید که مبادا در کنایانش  
 ۵ شریک بپوشید از صدماتش صدمه خورید \* از آنجا که کنایانش تا  
 ۶ با آسمان رسیده است و عیبهای او را خدا یاد آورده است \* باز  
 بدهید او را آنچه او شمارا داده است و آنچه کرده است برای او  
 مضاعف نمائید و در پیاله که او ممنوع ساخت دو چندان بجهت  
 ۷ او بیامیزید \* هر چند خور را تعظیم می نمود و نازک طبعی بکار می برد  
 همان قدر او را عذاب و غصه بدهید چه دل در خور میگفت که چون  
 ۸ ملکه نشسته ام و بیوه نیستم و غصه نخواهم دید \* لهذا السمه های وی  
 در بیکروز خواهد آمد مرکب و غم و کرسنگی و در آتش سوخته خواهد  
 ۹ شد چه قویست خداوند خدائی که بر او حکم میکنند \* و چون ملوک  
 زمین که با او زنا و عیش رانده اند و در سوختن او با بگردند

۱۰. بجهت او کریه و سینه زنی خواهند کرد \* از خوف عذابش دور
- ایستاده خواهند گفت وای وای ای شهر بزرگ بابلون ای شهر
۱۱. پر قوت که در یک ساعت سزای تو رسید \* و تجار زمین بجهت
- او کریه و زاری خواهند کرد چه من بعد متاع آنها را هیچ کس خریدار
۱۲. نیست \* متاع طلا و نقره و جواهر و مروارید و حریر و سرخی و ابریشم
- و قرمزی و هر چوب خوشبو و هر ظرف عاج و از هر چوب کراهنها
۱۳. و برنج و آهن و مرمر \* و درآ چینی و کندها و مر و لبان و شراب و روغن
- و آرد و کندهم و بهایم و کوسفندان و اسپان و تخت روانها و اجساد
۱۴. و ارواح مروم \* و میوه های مرغوب تو و هر چیز صاف براق از تو دور
۱۵. شده است و من بعد تو آنها را نخواهی دید \* تاجران این اشیا که
- از وی غنی شده بوزند از ترس عذابش دور ایستاده کریه و ناله
۱۶. خواهند نمود \* و خواهند گفت وای وای ای شهر بزرگ که حریر
- سرخ و قرمز می پوشیدی و طلا و جواهری و مروارید مزین می شدی
۱۷. زیرا که در یک ساعت آنقدر دولت عظیم بر باد فنا رفت و هر
- ناخدا و جماعت جهازیان و ملّاخان و هر کس که بدریا می پردازد از
۱۸. دور ایستازند \* و از دیدن دود سوختن او فریاد کردند که چون این
۱۹. شهر بزرگ کدام شهر می ماند \* و خاک بر سرهای خود می ریختند
- و با کریه و ناله فریاد کردند که وای وای بر آن شهر بزرگ که
- بسبب او همگی آنان که جهازیان آنها بر دریا بود از کثرت
۲۰. اسرافش غنی گشتند زیرا که در یک ساعت ویران گشت \* و شاد
- باشید بر آن ای آسمان و حواریان مقدس و پیغمبران زانرو که
۲۱. انتقام شما را خدا از او گرفته است \* و فرشته توانائی سنگی چون

سنگ آسیای بزرگ برداشت و بر دریا انداخت و گفت که  
 باین قسم با صدمه آن شهر بزرگ انداخته خواهد شد و ویکر پیدا  
 ۲۲ نخواهد شد \* و آواز بریط نوازان و خواننده‌گان و نی نوازان و صور  
 و منده‌گان من بعد در تو شنیده نخواهد شد و من بعد هیچ اهل  
 صنعت از تمامی صنایع در تو یافت نخواهد شد و صدای آسیای من  
 ۲۳ بعد در تو شنیده نخواهد گشت \* و روشنی چراغ ویکر بر تو نخواهد  
 تابید و ویکر در تو صدای داماد و عروس شنیده نخواهد شد زیرا که  
 تجار تو تررگان زمین بوزند که از سحر تو همگی طوائف فریفته  
 ۲۷ شینند \* و خون پیغمبران و مقدسان و همگی آنان که در زمین  
 کشته شده بوزند در او پیدا شد

باب نوزدهم

۱ و بعد از آن آواز بلندی از گروه بسیاری در آسمان شنیدم که  
 گفتند هلولویاه نجات و جلال و عزت و توانائی خداوند خدای  
 ۲ ما راست \* زیرا که محاکمات او راست و بر حقیقت چه بر آن  
 فاحشه بزرگ که زمین را بزناهای خود فاسد نمود حکم نموده است  
 ۳ و انتقام خون بنده‌گان خود را اروی کشید \* و بار ویکر گفتند هلولویاه  
 ۴ و دروش تا ابد الآباد صعور خواهد نمود \* و آن بیست و چهار  
 بزرگ و چهار حیوان افتاده و خدای نشیننده تخت را سجده  
 ۵ نمودند و گفتند آمین هلولویاه \* و آوازی از تخت بیرون آمد که  
 گفت ستایش نمائید خدای ما را ای همگی بنده‌گانش و آنانی که  
 ۶ از وی می ترسید از کهنتر و مهتر \* و چون آواز جماعت بسیاری  
 و چون آواز آنها بسیار و چون آواز رعد پر قوت شنیدم که می

- گفتند هملویاه زانرو که خداوند خدای قادر مطلق سلطنت نموده  
 ۷ است \* و خوشنور و مسرور باشیم و او را تعظیم نمائیم زیرا که هنگام  
 نکاح بره رسیده است و عروسش خورا مهیا نموده است  
 ۸ \* و عروسش را داده شد که حریر پاک درخشانده بپوشد که آن  
 ۹ حریر راستی مقدسانست \* و مرا گفت که بنویس خوشا حال  
 آنان که بزفاف بره طلبیده شده اند و گفت مرا که اینها سخنهای  
 ۱۰ حقیقی خداست \* و من نترس قدمهای او افتادم که او را سجده نمائیم  
 او گفت زینهار نکنی که من هم خدمت تو و هم خدمت برادران  
 تو که شهادت عیسی را دارند میباشم خدا را بپرست که شهادت  
 ۱۱ عیسی روح نبوتست \* و دیدم آسمانرا کشاوه و نگاه اسب  
 سفیدی که سوارش بر است حقیقی مستمی است و بحق  
 ۱۲ انصاف و جنک می نماید \* و چشمهایش چون شعله آتش و بر  
 سرش افسرهای بسیار و نامی مرقوم بود که هیچ کس نمی فهمید  
 ۱۳ جز خودش \* و جامه پوشیده بود که در خون رنگ شده بود  
 ۱۴ و اسمش کلمت الله بود \* و سپاهیان آسمانی بر اسبان سفید  
 ۱۵ سوار شده و حریر سفید درخشانده پوشیده در عقبش میبوندند \* و از  
 دهنش شمشیر تیز بیرون می آمد که قبائل را بان زند و بر آنها  
 بعضای آهنی حکمرانی خواهد کرد و میخانه قهر و سخط خدای قادر  
 ۱۴ مطلق را پامال میسازد \* و بر لباس دران خود اسمی را نوشته  
 ۱۷ دارد که پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان \* و دیدم فرشته را که  
 در آفتاب ایستاده بود و باواز بلند فریاد نمود بتامی مرغان که در  
 آسمان طیران می نمایند که بیایید و در ضیافت خدای عظیم جمع



۱۸ شوید \* تا آنکه بخورید اجسام پادشاهان و سرداران و پهلوانان  
 و اسبان و راکبان آنها را و همگی را از آزاد و بنده و کهنتر و مهتر  
 ۱۹ \* و آن حیوان پادشاهان زمین و عساکر ایشان را دیدم که  
 مجتمع شده اند تا با آن سوار اسب نشین و سپاهیانش کارزار  
 ۲۰ نمایند \* و گرفتار شد آن حیوان و آن پیغمبر کاذب نیز که پیشش  
 آن امور غریب را بجا آورد که بسبب آنها فریفت آنانی را که  
 نقش حیوان را با خود گرفتند و مثالش را پرستیدند و آن هر دو  
 ۲۱ زنده در دریاچه آتش که کبریت میسوزد انداخته شدند \* و باقی  
 بشمشیر سواره اسب که از وهنش بیرون می آید بقتل رسیدند  
 و جمیع مرغان از اجسام آنها سیر شدند

باب بیستم

۱ و فرشته را دیدم که از آسمان نزل نمود که کلید کوو بی پایان  
 ۲ و زنجیر بر رگی را در دست خود داشت \* و از او یعنی آن مار  
 کهن را که ابلیس و شیطانست گرفتار نمود و او را تا مدت هزار  
 ۳ سال بند نمود \* و او را در کوو بی پایان انداخت و بست و مهر  
 کرد که دیگر نفری به قبائل را تا آنکه مدت هزار سال بانام رسد  
 ۴ و بعد از آن قلیل مدتی بایست که آزاد باشد \* و تخت چند را  
 دیدم که تخت نشینی چند بر آنها بوزند و آنها را حکومت بخشیده  
 شد و نفوس آنانی را که بسبب شهوات بر عیسی و بغلت کلام  
 خدا سر بریده شده بوزند و آنانی را که نه حیوان و نه شکلش را  
 پرستیدند و نقشش را بر پیشانی یا بر دست خود نگرفتند و دیدم که  
 ۵ زنده شدند و هزار سال با مسیح سلطنت رانند \* و باقی از

- مروه‌گان زنده نشدند تا آنکه هزار سال با تمام رسید و این
- ۶ قیامت اولست \* خوشوقت و مقدس آنکس است که از قیامت اول حصه وارو و بر آنها مرگ ثانی دست ندارد بلکه کاهنان مسیح و خدا خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند
- ۷ نمود \* و چون هزار سال بانجام رسد شیطان از محبس خود
- ۸ خلاصی خواهد یافت \* و بیرون خواهد شتافت تا آنکه قبائل را که در چهار جهت زمین هستند یعنی جوج و ماجوج را بفریبد و آنها را بجهت جنک فراهم آرد و عدد آنها چون ریک
- ۹ در ریاست \* و بر عرض ارض منتشر شدند و قصر مقدسان و شهر محبوب را محاصره نمودند و آتشی از جانب خدا از آسمان نازل شده آنها را فرو گرفت \* و ابلیس که آنها را میفریبد بدریاچه آتش و کبریت در جائی که آن حیوان و بیغمبر کاذب هستند
- ۱۱ انداخته شد تا ابد الابد شب و روز معتذب خواهد بود \* و دیدم تخت بزرگ سفید را و شخصی را که بر او نشسته بود که از صورت او زمین و آسمان گریخت و مکانی بجهت آنها یافت نشد
- ۱۲ \* و دیدم مروه‌گانرا از کهنتر و مهتر که پیش خدا ایستاده اند و کتابها باز شد و کتابی دیگر که کتاب حیاتست کشاوه شد و مروه‌گان بحسب افعال خود از آنچه در آن کتابها نوشته شده بود حکم
- ۱۳ یافتند \* و دریا آن مروه‌گانرا که در آن بووند باز داد و مرگ و کور نیز آن مروه‌گانرا که در آنها بووند تسلیم نمودند و هر کس بحسب
- ۱۴ افعال خود حکم یافت \* و مرگ و کور بدریاچه آتش انداخته شدند

۱۵ و این مرک ثانیست \* و اگر کسی در کتاب حیات نوشته یافت نشد در دریاچه آتش افکنده شد

باب بیست و یکم

- ۱ و دیدم آسمان نو و زمین نورا زیرا که آسمان اول و زمین اول
- ۲ در گذشت و دیگر دریا بود \* و من که یوحنا هستم دیدم شهر مقدس اورشلیم نورا که از جانب خدا از آسمان نازل می شد و آراسته شده بود چون عروسی که بجهت شوهر خود آرایش نماید
- ۳ \* و شنیدم آواز عظیمی را از آسمان که گفت اینست مسکن خدا با خلق او و با آنها قرار خواهد گرفت و آنها خواهند بود قوم او و خدا
- ۴ خود با آنها خواهد بود چون خدای آنها \* و محو خواهد کرد خدا هر اشک را از چشمهای آنها و دیگر نخواهد بود مرک و نیز ناله و فریاد
- ۵ و درو خواهد بود زانرو که اطوار نخست گذشت \* و نشیننده تخت
- ۶ گفت الحال من هر چیز را از نو میسازم و مرا گفت بنویس زیرا که این سخنان راست و محقق است \* و مرا گفت که شد
- ۷ من هستم الف و او مکا و ابتدا و انتها و من تشنرا مفت از چشمه آب حیات خواهم داد \* و آنکس که غالب آید هر چیز را وارث
- ۸ خواهد بود و من او را خواهم بود خدا و او خواهد بود مرا مولود می \* اما
- خوف ناکان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و ساحران و بت پرستان و تمامی دروغ گوینان حصه آنها در دریاچه که با آتش
- ۹ و کبریت میسوزد میباشد این مرک ثانیست \* و یکی از آن هفت فرشته که صاحب آن هفت پیاءه پر از هفت صدمه

- آخرین بودند بنزویک من آمد وگفت که اینجا سیا عروس زن  
 ۱۰ نره را بتو نشان خواهم داد \* و مراروا بکوه بزرگ و بلندی بود  
 و شهر بزرگ اورشلیم مقدس را بمن نمود که از آسمان از جانب  
 ۱۱ خدا فرود می آمد \* و صاحب جلال خدائی بود و روشنی او مانند  
 ۱۲ سنک کرائبها چون سنک یشم بلوری بود \* و قلعه بزرگ  
 بلند با دوازده دروازه داشت و بر دروازه دوازده فرشته  
 و اسمهای نوشته بود که اسمهای دوازده فرقه بنی اسرائیل  
 ۱۳ است \* از سمت مشرق سه دروازه از شمال سه دروازه  
 ۱۴ از جنوب سه دروازه از مغرب سه دروازه \* و حصار شهر را  
 دوازده اساس بود و در آنها بود اسمهای دوازده حواری نره  
 ۱۵ \* و آن شخص که با من سخن می گفت نی طلائی داشت که  
 ۱۶ شهر و دروازه و حصار آنرا به پیماید \* و شهر مربعست و طول  
 و عرض مساویست و شهر را پیموده دوازده هزار تیر پرتاب  
 ۱۷ یافت طول و عرض و ارتفاعش مساویست \* و حصار آنرا  
 پیموده یکصد و چهل و چهار هزار زرع یافت از پیمایش خلق  
 ۱۸ یعنی فرشته \* و بنای حصارش از یشم بود و شهری از طلائی  
 ۱۹ خالص چون شیشه مصفا بود \* و اساسهای حصار شهر از هر  
 نوع سنک جواهر آراسته شده بود و اساس اول یشم بود و دوم  
 ۲۰ فیروزه و سیم بن جاده و چهارم زمرد \* پنجم لعل ششم یاقوت  
 هفتم عقیق زرد هشتم بلور نهم زبرجد و دهم لاجورد یازدهم یاقوت  
 ۲۱ کبود و دوازدهم مرجان بود \* دوازده دروازه از دوازده مرارید  
 است هر یک در از یک مرارید و میدان شهر از طلائی خالص

- ۲۲ چون شیشه مصفا بود \* و در آن معبد پیرا ندیدم زانرو که خداوند  
 ۲۳ خدای قادر مطلق و پره معبد آنست \* و آن شهر محتاج بافتاب  
 و ماه نیست که در او بتابد زیرا که جلال خدا او را روشن نموده  
 ۲۴ است و چراغش پره است \* و طوایف ناجیان در نورش سیر  
 می نمایند و پادشاهان زمین جلال و عزت خور را بان می رسانند  
 ۲۵ \* و در روزهای آن در روزها بسته نخواهد شد و شب در آنجا نخواهد  
 ۲۶ بود \* و جلال و عزت قبائل را بان خواهند رسانید \* و داخل  
 آن نخواهد شد هیچ چیز که نجس یا خبیث یا کذب باشد مگر  
 آنانی که در کتاب حیات پره نوشته شده اند

باب بیست و دویم

- ۱ و نشان داد بمن رود صافی از آب حیات در رخشان چون بلور  
 ۲ که جاری بود از تخت خدا و پره \* و در میان میدانش و دو طرف  
 رود خانه درخت حیات بود که دوازده میوه میکنند و هر ماه میوه  
 خور را می آورد و پره های آن درخت بجهت شفای قبائل است  
 ۳ \* و در آنجا هیچ لعنت نخواهد بود و در آن خواهد بود تخت خدا  
 ۴ و پره و بنده کانش بندگی او را خواهند نمود \* و صورتش را خواهند  
 ۵ دید و اسمش بر جبین آنها خواهد بود \* و شب در آنجا نخواهد  
 بود و محتاج بجیران و نور آفتاب نیست زیرا که خداوند خدا آنها را  
 ۶ روشن می سازد و تا ابد الابد سلطنت خواهد نمود \* و مرا گفت که  
 این سخنان راست و محقق است و خداوند خدای پیغمبران  
 مقدس فرشته خور را فرستاده است تا آنکه نشان دهد بنده کان  
 ۷ خور را آنچه زود بوقوع می آید \* اینست من بر روی می آیم خوشا

- ۸ حال آنکس که سخنان الهامی این کتاب را ضبط نماید \* و من که یوحنا هستم دیدم و شنیدم این چیزها را و چون شنیدم و دیدم افتادم که در پیش پایهای آن فرشته سجده نمایم که این چیزها را
- ۹ بر من ظاهر نمود \* مرا گفت زینهار نکنی من هم خدمت تو و برادرانت پیغمبران و حافظان سخنان این کتاب میباشدم
- ۱۰ خدا را پرستس نما \* و مرا گفت که بر سخنان الهامی این کتاب
- ۱۱ مهر نما زانرو که وقت نزدیک است \* و آنکه ظلم میباید باز ظلم نماید و آنکه خباثت میباید باز خباثت نماید و آنکه راست است باز راستی کند و آنکه مقدس است باز تقدس پیدا نماید \* که اینک من بزودی می آیم و مرز با من است تا هر کس را بر حسب
- ۱۳ اعمالش ادا نمایم \* و من الفا و اوکا و ابتدا و انتها اول و آخر هستم
- ۱۴ \* خوشحال آنانی که احکامش را بجا می آرند تا اقتدار بر درخت
- ۱۵ حیات داشته باشند و از دروازه بشهر در آیند \* که بیرونند سکها و ساحرا و زانیها و قاتلها و بت پرستها و هر کس که محب و فاعل
- ۱۶ کذب باشد \* من که عیسایم فرشته خورا فرستادم تا آنکه باین چیزها شهادت دهد در کلیسیایا و من ریشه و نسل و او و دستاره
- ۱۷ درخشان صبح گاهم \* و روح و عروس میگویند بیا و هر آنکس که می شنود بگوید بیا و هر آنکو تشنه است بیاید و هر کس که خواهد
- ۱۸ آب حیات را مفت بگیرد \* و هر کس که سخنان الهامی این صحیفه را می شنود بر راستی امر میباید که اگر کسی چیزی بر آن ملحق سازد خدا آن السمهایی را که درین کتاب نوشته شده
- ۱۹ است با و ملحق سازد \* و اگر کسی از سخنان این صحیفه

الهامی چیزی کم کند خدا حصه اش را از کتاب حیات و شهر  
۲۰ مقدس و نوشته‌های این کتاب کم خواهد کرد \* و آنکس که این  
شهادت را میدهد میگوید که آری من زور می‌آیم آمین آری  
۲۱ بیا ای عیسی خداوند \* و توفیق خداوند ما عیسی مسیح با همگی  
شما باد آمین





# فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . .</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون . . . . .</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریان . . . . .</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . .</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . .</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . . .</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . . .</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . . .</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . . .</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . .</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . .</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . . 496</p>
---	---

هللا ةالص

، برلا اها

قفرعم نم نكممتن یتح جارفاللا مت دقو اذه ديدجلا دهعلا والي جبالا اذه ىلع ارکش  
لكنع ديزملا

تنا .حاتملا ينورتكلال باتكللا اذه عنصنع ملو عسمل بعشلا قدعاسم ءاجرلا  
مهتدعاسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكللا رشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدعاسم ءاجرلا  
ةحاتملا هي نورتكلالا

نوكت يكلف هجاتحت يذلا تقولا و قوقو ، لاومال او دراوملا عيمج ىلع امتدعاسم ءاجرلا  
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق  
لكل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدعاسملا ءاجرلا  
اهل ديرت يتلا لامعلا ليحورلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسالا قوق اهئاطع ايجري  
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدعاسم ءاجرلا  
ءيش لك نع لوؤسملا او ةالصلا مبوبج يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ  
هيف

يتلا تابقلعلا نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدأ  
لفسالا انا مهنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اولعج نيذلا سانلا اضيا ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدعاسم ءاجرلا  
رارمتسالا مهل ينسني يتحو اهيلع يلصني ناعيطتسا يتح ، ةحاتملا هعبطلا  
سانلا نم ربكاددع قدعاسم يهف

فوس كن او ، (ديدجلا دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نأ هللا وعدأ  
ةينمزالا قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نأ من طفل او قملكحل او هي حورلا ينيطعت  
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لماعتلا ةيفيك قفرعم يهف يتدعاسم ءاجرلا  
نيرخال داसन نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي  
لماعلا لوحو ققطنملا يدلب يهف نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملا ينورتكلال باتكللا يطعي نأ مكل هللا وعدأ

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نأ مكل هللا وعدأ

قرطلا لكب مكلة عباتمولى لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوالا مده يف هيجوتلا او هعتملا اني طعي امك  
نيم ، عوسي مساي يف

# - Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

# - Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

( por que nós traduzem isto em muitas línguas?  
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.  
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais ).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

**Dear Lord,**

**Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.**

**Please help the people responsible for making this Ebook available.**

**Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available. Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.**

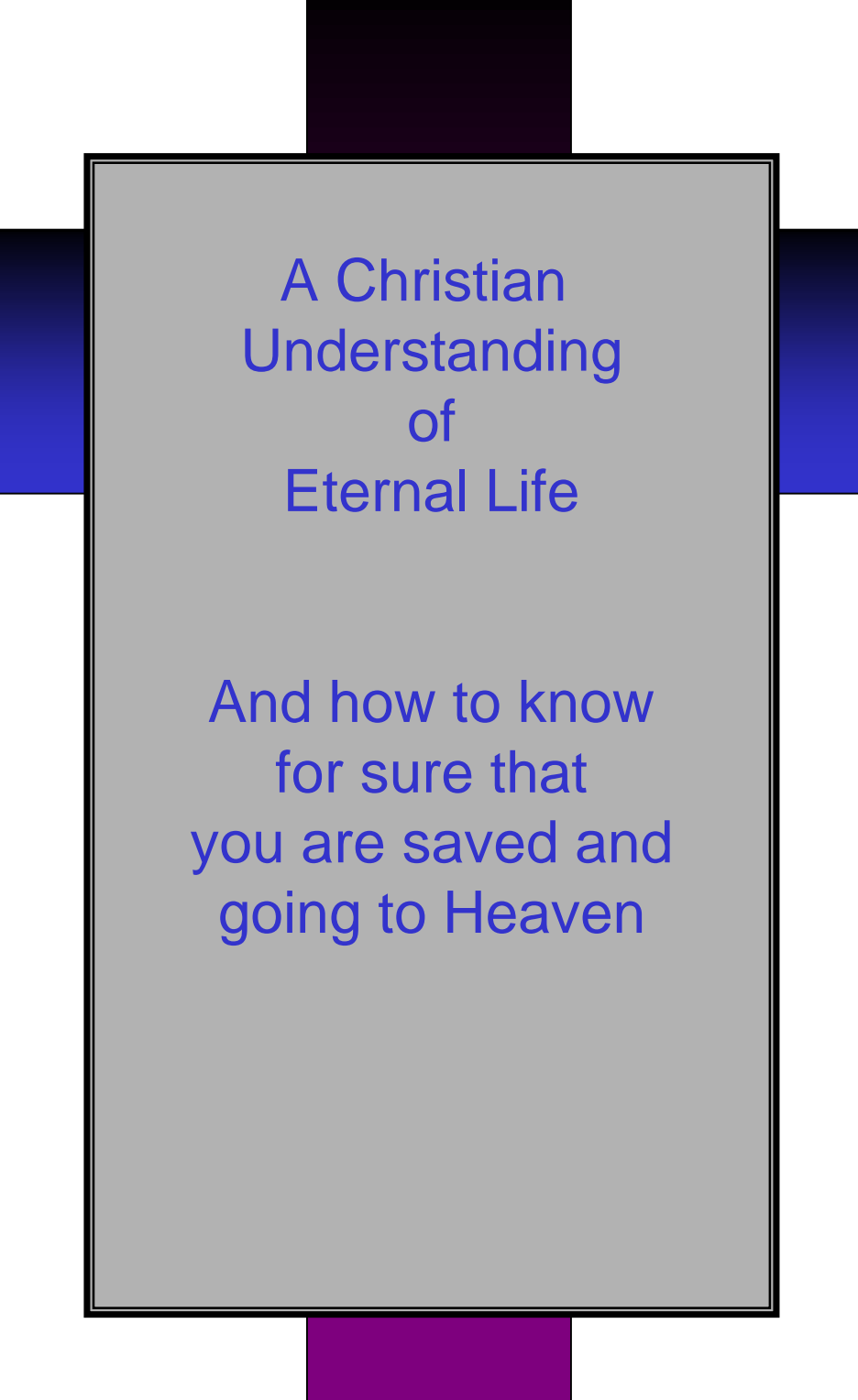
**Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective. Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.**

**I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.**

**I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,**







A Christian  
Understanding  
of  
Eternal Life

And how to know  
for sure that  
you are saved and  
going to Heaven

# **Saved - How To become a Christian how to be saved**

**A Christian is someone  
who believes the  
following**

*Steps to Take in order to become a  
true Christian, to be Saved & Have a  
real relationship & genuine  
experience with the real God*

**Read, understand, accept and  
believe the following verses from  
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short  
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of  
the glory of God;

**2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.**

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

**3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.**

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

**4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.**

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

**5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.**

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

**6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a**

**fact that you have been given  
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

**7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.**

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

**If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:**

***" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you***

***to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".***

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

**It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is**

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked  
Jesus to come into your life**

**Find the following passages in the Bible and begin to read them:**

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**



them, so that you can understand more about God and how He works.  
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.  
7. email or tell someone about the great decision you have made today  
!!!

---

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ?  
because they are magical ?  
No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of* what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

**First** the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

**Second** the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

**John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.**  
**17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.**

# Prayers that count

## The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

**And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:**

**(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.**

**(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.**

**(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.**

**(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)**

**(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.**

**(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.**

**(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.**

**(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.**

**(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.**

**(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,**



but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

---

### Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon  
the Textus Receptus are  
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK  
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.  
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in  
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)  
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of  
this edition is actually from 1880 which means  
it was produced prior to the Revised Version  
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions  
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,  
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform  
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is  
the standard historic Koine Greek Text of the  
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede  
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online  
Under "Textus Receptus". There are 2  
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the  
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833  
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by  
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

### Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;  
they shall mount up with wings as eagles;  
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

#### I Thessalonians 4: 13\_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

#### Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI) of HENRY  
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [ 9 ] Parts.  
All are available online **Persian New Testament  
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-  
**Please Note:**

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,  
use, distribute personally or in file sharing systems,  
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website  
is granted.**

**Note: Do not always depend on  
large “storage” websites. Do not depend on websites  
in the west. Sometimes large websites are affected  
and then no longer work. For your convenience  
and easy access, Please keep copies of this  
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage  
space available.

-----  
Téléchargement = Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and  
for our protection in all ways and at all times.  
Thanks.

**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI)  
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [ 9 ]

Parts:

**Part 1**

**Part 2**

**Part 3**

**Part 4**

**Part 5**

**Part 6**

**Part 7**

**Part 8**

**Part 9**

All are available online  
**Persian New Testament**  
Edition of **HENRY MARTYN**  
**1837**

-----

Téléchargement  
Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.  
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER  
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,  
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD  
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE  
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.  
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE  
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison  
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson  
The Two Babylons by Hislop  
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander  
The [ Idolatry of ] the Worship of Mary by J. Endell Tyler  
Books by George STANLEY Faber  
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)  
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity  
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,  
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =  
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)  
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New  
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH  
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب  
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع  
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية



اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فلمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي